

کد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۷۲ - ۱۶ مارس ۱۹۹۴ - دوره سوم - شماره ۷۹
KAR.NO.79 Wednesday 16 Mar 1994

تحويل سال ۱۳۷۳ خورشیدی

به وقت ایران: ساعت ۲۳ و ۵۸ دقیقه و ۱۳ ثانیه

روزیکنشبه ۲۹ اسفند ۱۳۷۲ مطابق با ۲۰ مارس ۱۹۹۴

اروپای غربی و مرکزی ساعت ۲۱ و ۲۸ دقیقه و ۱۳ ثانیه

انگلستان	۲۰	۲۸	۱۳
ترکیه	۲۲	۲۸	۱۳
شرق آمریکا و کانادا	۱۵	۲۸	۱۳
روسیه (مسکو)	۲۳	۲۸	۱۳



سال نوبهار ک باد!

سالی دیگر در حال پیوستن به تاریخ است و سالی نو در انتظار زایش. با این امید در آستانه سال نو ایستاده ایم که سالی خوب، و برآستی به از سال پیش باشد. آرزوی کنیم در سال نو، نیروی متحد مردم استبداد را به عقب نشینی وادارد و آزادی و سرآغاز آبادی میهن مان ایران را نزد یک ترسازد.

با این امید و با صمیمانه ترین آرزوهای نیک برای یکا یک شما دوستان، فرارسیدن نوروز، این عید باستانی را به شما خوانندگان عزیز، به خانواده های شما، به دوستان و آشنا یانتان و به تمامی هم میهنان تبریک می گویم.

"کار"

ایران به استقبال نوروز می رود

● هلهله خریده های نوروزی تحت الشعاع گرانی و وضع مشقت بار زندگی است

● تدارک گسترده ما موران انتظامی برای مقابله با مراسم چهارشنبه سوری

مردم برای سفرهای نوروزی آماده شده اند. دولت، مدارس و ادارات را در روز ۲۸ اسفند ماه تعطیل اعلام کرد و بدین ترتیب فرصتی یک هفته ای برای دید و بازدیدها و مسافرت های عید فراهم آمده است. شهرهای شمالی کشور از هم اکنون با هجوم انبوه بیشماری از مسافران نوروزی، به ویژه تهرانی ها مواجه شده اند. برای نخستین بار پس از ۱۳ سال، شهرهای آبادان و خرمشهر نیز برای استقبال از مسافران نوروزی آماده شده اند. در شهرهای مهمان پذیر بسیاری از مدارس برای پذیرایی از مسافران آماده شده اند و در اماکن عمومی نیز چادرهایی به همین منظور برپا شده اند. اما این تدارکات اولیه به هیچ وجه پاسخگویی انبوه مسافران نیست. کمبود و گرانی هتل، مهمانخانه و دیگر محلهای اسکان، کمبود و گرانی مواد غذایی، دشواری تهیه بلیط اتوبوس و قطار چون هر ساله باقی است و مشکلات فراوانی را به همراه می آورد. راه آهن جمهوری

مردم ایران خود را برای استقبال از سال نو آغاز می کنند و شهرها و روستاهای کشور بار دیگر حال و هوای عید و بهار به خود گرفته اند. علیرغم مشکلات اقتصادی فزاینده ای که بردوش خانواده ها فشار می آید، مغازه ها و مراکز خرید شلوغ تر از همیشه اند و از انبوه جمعیت مزج میزنند. مردم در تدارک اند که سفره های عید را به رسم دیرینه برپا دارند و آن را هر چه رنگین تر سازند. هر چند که اجرای مراسم سنتی نوروز، به دلیل فقر و گرانی در سالهای اخیر بسیار دشوار شده و حتی برای همه امکان پذیر نیست، اما هر کس به فراخور خود به استقبال آن می رود. گزارشهای رسیده از تهران و سایر شهرهای کشور حاکی از آن است که قیمت میوه، آجیل و سایر ملزومات سفره های نوروزی و همچنین کنش و پوشاک با نزدیک شدن عید، کماکان به سیر صعودی خود با شتاب بیشتری ادامه می دهند.

مردم ایران خود را برای استقبال از سال نو آغاز می کنند و شهرها و روستاهای کشور بار دیگر حال و هوای عید و بهار به خود گرفته اند. علیرغم مشکلات اقتصادی فزاینده ای که بردوش خانواده ها فشار می آید، مغازه ها و مراکز خرید شلوغ تر از همیشه اند و از انبوه جمعیت مزج میزنند. مردم در تدارک اند که سفره های عید را به رسم دیرینه برپا دارند و آن را هر چه رنگین تر سازند. هر چند که اجرای مراسم سنتی نوروز، به دلیل فقر و گرانی در سالهای اخیر بسیار دشوار شده و حتی برای همه امکان پذیر نیست، اما هر کس به فراخور خود به استقبال آن می رود. گزارشهای رسیده از تهران و سایر شهرهای کشور حاکی از آن است که قیمت میوه، آجیل و سایر ملزومات سفره های نوروزی و همچنین کنش و پوشاک با نزدیک شدن عید، کماکان به سیر صعودی خود با شتاب بیشتری ادامه می دهند.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن



- زندانی بنیاد گرای
- آغاز گران جنبش زنان در ایران
- کنوانسیون رفع انواع تبعیضات علیه زنان در صفحه ۶

وزارت ارشاد

مطبوعات مستقل را تهدید می کند

تمام قوا خواستار برکناری وی بودند. زمانی که او از این بست کناره گیری کرد و لاریجانی جای او نشست، قشربون از این تغییرات خشنود شدند. آنها انتظار داشتند که وی نشریات مستقل را تعطیل کند و جلوی تمام فرهنگ را بگیرد. گرچه در دوره لاریجانی فشار بر مطبوعات مستقل افزایش یافت و تعدادی از آنها تعطیل شدند، ولی سیاست وزارت ارشاد در این زمینه تغییر اساسی نکرد و اکثر این نشریات بکار خود ادامه دادند و در مواردی نیز بخاطر وضعیت بحرانی در جامعه، انتقادهای آنها علیه وضع موجود تندتر گردید.

اکنون باید دید که میرسلیم با ماموریت ایجاد فضای کاملاً خفقان آورده در عرصه فرهنگی میدان آمده و می خواهد خواست قشربون را که در دوره لاریجانی تماماً تحقیر نیافت، برآورده سازد و یا اینکه همان سیاست های قبلی را با اندک تغییراتی ادامه در صفحه ۳

مجلس شورای اسلامی به میرسلیم بعنوان وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی رای اعتماد داد. میرسلیم در دو دوره ریاست جمهوری خامنه ای، مشاور عالی او و سرپرست نهاد ریاست جمهوری بوده است و بیگفته رفسنجانی و نمایندگان مجلس از افراد مورد اعتماد خامنه ای است. آنچه مسلم است تغییرات اخیر نه به خواست و نظرفسنجانی، بلکه با نظر و حکم خامنه ای انجام گرفته است. اکنون کسی در راس وزارت ارشاد نشسته است که جز نزدیکان خامنه ای و مورد تایید جناح رسالت است.

آیا این انتصاب جدید به تغییرات اساسی در سیاست وزارت ارشاد در مورد مسائل فرهنگی و بویژه در رابطه با نشریات مستقل منجر خواهد شد و آن روزنه ای که برای تنفس مطبوعات وجود دارد، تنگ تر شده و یا بالکل بسته خواهد شد؟ نیروهای قشری در زمان وزارت دکتر خاتمی شدت از سیاست ها و برنامه های او انتقاد می کردند و با

تظاهرات مردم تهران در گلوبندک

روزیک شنبه ۱۵ اسفند ماه (۶ مارس) گروهی از مردم تهران در اعتراض به وضع درهم اقتصادی و رادبودر چهارراه گلوبندک تهران دست به تظاهرات زدند. در جریان این اقدام اعتراضی، تظاهرکنندگان به دادن شعارهایی علیه سرمداران رژیم اسلامی حاکم بر کشور پرداختند.

این تظاهرات که ابتدا تنها شامل اعتراض گروهی محدود به گرانی و تورم بود، رفته رفته به جمعی چشم گیر تبدیل شد. درواکنش به این اقدام اعتراضی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ارسال واحدهای سرکوب، تعداد قابل توجهی از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد.

● از سوی دیگر خبر می رسد که روز ۱۹ اسفند ماه (۲۸ فوریه) بیشه وران

اعدام پنج تن از مبارزین کرد

بنابر اطلاعات مطبوعاتی حزب دموکرات کردستان ایران، در تاریخ ۱۹ بهمن ماه مامورین رژیم اسلامی جسد چهارتن از مبارزان کردستان را تسلیم خانواده هایشان نمودند. این چهارتن بیش از یکسال و نیم در زندان های رژیم تحت شکنجه بودند.

حسین صبحانی، رشوف محمدی، بهمن خسروی و قادر مرادی در روز ۱۴ تیرماه سال ۱۳۷۱ در یکی از روستاهای شهرستان جوانرود دستگیر شدند. مامورین حکومتی آنها را به زندان افکندند. تا

منطقه شمیران نود اعتراض به تیغه کردن دو مغازه علیه ماموران شهرداری دست به اعتراض زدند. ماموران در مواجهه با اعتراض مردم، اقدام به ترک محل کردند. اما پیشروان دست به اعتصاب زدند. ماموران جمهوری اسلامی در این ارتباط پنج تن از پیشه وران را دستگیر کردند. روز ۱۱ اسفند ماه (۲ مارس) پیشه وران دست از اعتصاب کشیدند.

گزارش های رسیده حاکی از آنند که درگیری ها در استان سیستان و بلوچستان کماکان ادامه دارد. از جمله در جریان یک درگیری وسیع چند ساعته که صبح روز ۱۴ اسفند ماه (۲۳ فوریه) میان بلوچ ها و پاسداران انقلاب در محوطه شهرداری

● از سوی دیگر خبر می رسد که روز ۱۹ اسفند ماه (۲۸ فوریه) بیشه وران

شانزدهمین سال انتشار "کار"

با این شماره، "کار" وارد شانزدهمین سال حیات خود شد. نخستین شماره "کار" در روز ۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۷ در ایران منتشر گردید. انتشار "کار" با دوره ای انقلابی و سرشار از شوق و شور و میل به فعالیت سیاسی و دگرگونی در جامعه همراه بود. "کار" هدف خود را آگاه ساختن مردم ایران و در درجه اول کارگران و زحمتکشان و پیشبرد انقلاب در مسیر آزادی، اشغال و عدالت اجتماعی قرار داد. "کار" از همان آغاز به پرتیراژترین نشریه چپ ایران تبدیل شد و دفاع آن از آزادی های دموکراتیک، عدالت اجتماعی و حقوق خلقها به آن جایگاه برجسته ای بخشید. هر چند "کار" نتوانست این خط مشی را پیگیرانه ادامه دهد و بتدریج به حمایت از مشی شکوفایی جمهوری اسلامی روی آورد و بر صفحات آن جملاتی نوشته شد که با وظایف یک نشریه چپ و دموکرات سازگار نبود، اما ارتجاع اسلامی ادامه انتشار آن را تائب نیارود. "کار" که در این دوران بصورت نیمه علنی منتشر میشد، بدنبال اعتراض به اعداها همچون بسیاری از نشریات مترقی دیگر، توقیف شد و مدیر مسئول آن رفیق شهید محمد رضا غیرایی در زندان اوین به بند کشیده شد. پرونده نخستین دوره فعالیت "کار" پس از ۳ سال و انتشار نزدیک به ۱۷۰ شماره، در سال ۶۰ بسته شد.

اما این توقیف دیری نپایید. "کار" دو سال بعد فعالیت خود را در شرایط تازه ای آغاز کرد. بدلیل تشدید اختناق و سرکوب، "کار" نیز مجبوره مهاجرت شد اما علیرغم آن از طرق مختلف به ایران فرستاده می شد و در میان ده ها هزار نفر، دست به دست می گشت. دستگیری های وسیع سال ۶۵ فدائیان خلق و پس از آن اعدام های دسته جمعی سال ۶۷، شبکه های پخش نشریه "کار" در داخل کشور را متلاشی کرد و همزمان، تحولاتی که در میان نیروهای چپ از جمله سازمان ما آغاز شد، کار را با فضای فکری تازه و وظایفی تازه مواجه کرد. دوره دوم فعالیت "کار" یعنی دوره ای که نقش سازمانده مبارزه مخفی در داخل کشور برعهده آن بود، با این تغییر و تحولات پایان یافت.

بدنبال برگزاری اولین کنگره سازمان در سال ۶۹، دوره سوم فعالیت "کار" آغاز شد. این دوره همزمان بود با شکست های بزرگ، سرخوردگی ها، ناامیدی ها و تردیدها نسبت به آرمانها و اهداف چپ و ده ها سال مبارزه دلیرانه آن در راه آزادی و عدالت از یکسو و بورژوازمه جانیه نیروهای راست برای آنکه حیات و زندگی چپ در جهان و ایران را پایان یافته و انمود کنند. در این دوران دشوار، "کار" هدف خود را دفاع از موجودیت و آرمانهای چپ و ارائه چهره ای تازه، دموکراتیک و معاصر آن قرار داد. "کار" کوشید دفاع از آرمانهای چپ را با انجام وظایف سیاسی خود توأم سازد. دوره سوم فعالیت "کار" سرتاسر تلاش برای آن بوده است که راه نجات کشور از سقوط و تلاشی و از استبداد

ادامه در صفحه ۲

دولت شماره

باردیگراز باورها - ۶ شاه و سلطنت

در صفحه ۱۰

ایران در سال ۱۳۷۲

در صفحه ۸

ادامه در صفحه ۵

در گرامی داشت نوروز

دربندهش درباره آفرینش جهان

آمده است: که اهورا نخست آسمان را آفرید، روشن، آشکارا، بسیار پهنار و... و به یاری آسمان، شادی را آفرید که آفریدگان به شادی درآیند. در سنگ نبشته داریوش در تخت جمشید، اهورامزدا اینگونه ستایش شده است: بخ بزرگ است اهورامزدا، که این بوم را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را آفرید.

در رهنمودهای اخلاقی زرتشت نیز: جهان مادی، تن و شادمانی از آفریدگان اهورایی اند و هر اشاره باید به نوبه خود در حفظ، بهره گیری و گسترش آنها بکوشد. در این تعالیم، هر گونه آزار و خوار داشتن جسم و روان نکوهش شده و روزه و رهبانیت و زهد، نادانی محض شمرده شده است. به مؤمنان اندرز داده شده، که در نخستین روز هر ماه که از آن اهوراست، به نشانهٔ سپاس می بنوشند و خرم باشند.

پیشینیان ما نوروز را ناماد پیروزی نهائی آفرینش نیک، جلوه گاه امید به رستاخیز و عرصه تجلی شادی درون دانسته اند. در همهٔ روایاتی که در پیوند با آیین نوروز از گذشته بجای مانده شادی و خرم دلی ستایش شده است. چه به بیانه پیروزی هوشنگ بر دیوان، یا فرمانروایی یزدی جمشید بر جهان، چه به میمنت شناخت نجومی گردش ایام، و چه به ساقفهٔ نیاز و ضرورت و یا به حکم وظیفه و عبادت، در همه حال و به هر زبان، همه و همه گویای این "قصهٔ نامکرر" است.

و امروز، از پیش صدها سده و نسل به حکم همان نیاز، همان امید، امید شادمانه زیستن، چون سرودی

است. در اساطیر ایران آمده است: در آغاز بهار، خورشید یا مهر به برج بره وارد می شود که سلطنت و قدرتش را تجدید کند. این تعبیر را اینگونه نیز کرده اند که: جشن نوروز، جشن پیروزی و فرمانروایی کامل جمشید است (در آن زمان که هنوز به خود غره نشده بود). در نوروز نامه حکیم عمر خیام آمده است: سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند که آفتاب را دور بود یکی آنک هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه روز به اول دقیقه ی حمل باز آید. به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه نتوان آمدن که هر سال از مدت همی کم شود. و چون جمشید آن روز را دریافت، نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد. پس از آن، پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند... چون چهار قسم از سال بگذرد نوروز بزرگ و نوگشتن احوال عالم باشد و پادشاهان واجب است آیین و رسم ملوک بجای آوردن از بهر مبارکی و از بهر تاریخ را و خرمی کردن به اول سال. هر که روز نوروز جشن کند و به خرمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی و خرمی گذارد. و این تجریت، حکما از برای پادشاهان کرده اند.

فروردین ماه به زبان پهلوی معنایش چنان باشد که این آن ماه است که آغاز رستن نبات در وی باشد و این ماه مریخ حمل راست که سرتاسری آفتاب اندرین برج باشد. اردیبهشت ماه آن ماه است که جهان اندر وی بهشت را ماند از خرمی.

در اندیشه و باور ایرانیان باستان، شاد بودن و شادی آفریدن جایگاهی بزرگ داشته است.

نوروزی دیگر، برآمده از بابین بهار، از راه می رسد: عطر آگین و دست افشان، در جامه ای از نورو نسیم، با مرغانی از شادی و شکوفه بردرگاه سرزمینی که گهواره و پروردگانه نوروز است، اینک گزیده گان ایستاده اند تا او را جز در رخت ماتم و ملال، اذن ورود ندهند! نوروز اما با مرکب بهار از قلمروی بیروت می گذرد، به آغوشهای گرم و گشوده راه می گشاید، برجین های گشاده بوسه می زند، بر دیده های مشتاق، نور می افشاند و در دل های بیدار خانه می کند.

بر نوروز ما طی سالیان، همان رفت که بر شادی و آرزوی زندگی شایا رفت. سوگ ستایان و شادی ستیزان چنان کردند که مگر یاد این آیین، اندیشه می و معشوق و آواز بر لب و تنبیر از سرها برود و انگبین در کام مردم هلاهل شود.

هر چند منظره عشق و آواز شاد یانه، در برده های دود ملالت، مکدر شد، اما دل های نیازمند شادی و سرزندگی، این نیاز را در وجدان یافت. نیازی که در جان آدمی است و در نوروز - که نماد رستاخیز طبیعت و انگیزاننده امید به رستاخیزی همسنگ در زندگی است - با نیروی مضاعف از درون سر بر می کشد.

همه میهنان ما در این سالهای سبطه ستم و سرریز مصیبت و ماتم، بیش از هر زمان دیگر این نیاز به شادی و سرزندگی، نیاز به نوروز و بهروزی را احساس می کنند. شکسته استخوان داند بهای مومیایی را! ***

در خصوص پیدایش آیین نوروز، تعابیر و افسانه ها بسیار

نوروزت پیروز باد ایران!

به آنان که هر نوروز، کوی ها و شهرهای ایران را، با گل خند مهر، کلام دوستی، فروغ امید آذین می بندند و به رسم نوروزی خانه به خانه می برند، به آنانکه با شکوفه های شادی و شور، کلبه های حزن را گلستان می کنند، به آنانکه با نسیم هم دلی و یگانگی، غبار پراکنندگی و ملال را از دلها می روبند، به همه ایرانیان، که مشعل نوروز را با آتش عشق به میهن، فروزان نگه می دارند، نوروز مبارک باد!

نوروز شاد و شور آفرین ما امروز آماج حمله خرقة پوشان شادی ستیز است. اینان تلاش عشی را می گرفته اند که در سده های پیشین نیز برای خوار کردن این آیین و فرونشاندن این آتش، بخت نامیمونش آزموده شد. امروز نیز، آنکه نان را از سفره مردم می رباید، آنکه رخت نورا حتی در نوروز بر تن مردم روانی دارد، آنکه عزار اعبادت و شادی را گناه می شمارد، آنکه مهر را بر درگاه دژ خوبی قربانی میکند و زندگی را در محراب مرگ به سجده وامی دارد، نمی تواند با آیین شادی و مهر، جز این کند.

آنچه که دست تعرض را کوتاه و نوروز را بر جای نگه می دارد شور زندگی، نیاز به شادی و امید به بهروزی است. دستهای یکدیگر را هر کجا که هستیم به نشانه مهر بفشریم، و این مهر را پشتوانه تلاشی کنیم که تحقق آن در شاد باش های نوروزی یکایک ایرانیان آرزومی شود: ایجاد ایرانی آزاد و آباد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۲۵ اسفند ۱۳۷۲

ایران به استقبال...

ادامه از صفحه ۱

چهارشنبه سوری در مواردی با عوامل رژیم درگیر شده بودند. اما امسال با توجه به گستردگی ناراضی ها و آمادگی فزونی برای اعتراض به حکومت، بیم از تبدیل چهارشنبه سوری به نمایش اعتراض علیه رژیم به یک نگرانی بزرگ برای رژیم تبدیل شد. در تهران مأمورین رژیم تدارکات گسترده ای برای مقابله با نا آرامیهای احتمالی اتخاذ کردند.

سرگزار گسترده مراسم چهارشنبه سوری و آمادگی یکپارچه کشور برای استقبال از نوروز ۷۳ نشان داد که جشنهای نوروز به همان قوت همیشگی در میان مردم ماریشه دارد و تلاشهایی که صورت گرفته و می گیرد برای اینکه نوروز فراموش شود، راه به جای نخواهد برد.

تن رادراین رابطه بازداشت کردند و از "کشف" مقادیر فراوانی از مواد انفجاری خبر دادند. بیانه رژیم در ظاهر خطراتی است که استفاده از مواد آتش زا برای مردم و به ویژه کودکان به وجود می آورد. روزنامه های رژیم در فاصله چند روز اطلاع دادند که چندین نفر در این رابطه مجروح و کشته شده اند. اما علیرغم تبلیغاتی که پیرامون این موضوع دامن زده شد، ممنوعیت آتش بازی و آمادگی نیروهای انتظامی در قبال آن، قبل از هر چیز دلیل نگرانی رژیم از انباشت مواد انفجاری در دست مردم و هراس آن از تبدیل این مراسم به تظاهرات و اعتراضات علیه حکومت بود. در سالهای گذشته جوانان به هنگام اجرای مراسم سنتی

سیاس بر همه یاران و همکاران

۱۵ سال پر حادثه ما را از آن روزی که نخستین شماره نشریه "کار" بر کیوسک روزنامه فروشی های ایران ظاهر شد و در میان مردم دست به دست گشت، جدا میکند. در این ۱۵ سال بسیاری چیزها تغییر کرده است، اما آن اعتقاداتی که "کار" با آنها آغاز کرد، همچنان باقی است.

تعهداتی که کار در برابر خود قرار داده، این بوده است که: به حقیقت وفادار بماند. کلامی نگوید مگر آنکه آن را به سود ایران بداند، از خدمت به محرومان، زحمتکشان، روشنفکران و آزادخواهان سربیند، بر ظلم و بی عدالتی چشم فرو بندد و نشریه ای باشد مدافع آزادی، عدالت، استقلال و سرپرندی ایران.

پای بندی به این تعهدات برای ما آسان نبوده است. در کشوری که گشتن حقیقت بزرگترین جرم است، ایستادن در سنگر حقیقت دشوار است و "کار" برای ایستادن در این سنگر قربانی های بسیار داده است. از رفیق مهدی غبرایی نخستین مدیر مسئول نشریه کار که نا جوانمردانه او را به کشتارگاه کشاندند و در برابر جوخه اعدام قرار دادند تا رفیق مرتضی مجیبی تابان، منصور اسکندری، قاسم سید باقری، فرامرز شریفی، حمید رضا پددار، گلی آبکناری (لیلی)، علیرضا کبری شان دین، جهانگیر بهتاجی، هیبت معینی جاغروند، کسری اکبری کردستانی، علیرضا خواجهی و بسیاری همکاران و هم روزمان که برای رساندن صدای کار به مردم زحمتها کشیدند، رنجها بردند، توهینها شنیدند و شکنجه ها شدند. "کار" همواره خود را سپاسگزار همه کسانی میدانند که سهمی در این تاریخ ۱۵ ساله بر دوش کشیدند. "کار" تنها به نیروی فداکاری و تلاشهای فراوان همه این یاران و دوستان یا بر جا ماند و بند بنچا رسید.

یاد همه یاران و همکاران "کار" را که قربانی استبداد شدند گرامی می داریم و بر همه رفقای که با زحمتهای و کمکها و حمایتی بی شائبه خود امکان ادامه انتشار "کار" را فراهم آورده اند، درود می فرستیم.

ایران نداندند. مسئولان و کارکنان آن را اسیر کردند و کشتند. آن را از وطن خود راندند. اما خواست و آرزوی "کار" همواره بازگشت به زادگاه و موطن خویش است. کار هیچگاه فراموش نکرده و نمی کند که علیرغم همه سختی ها و دشواری ها، وظیفه و رسالت و شایستگی و اعتبارش در آن است که نشریه ای باشد در میهن اش و برای طیف هر چه وسیعتری از هم میهنانش. بدین منظور "کار" باید تلاش کند راه خود را به سوی میهن هر چه بیشتر باز کند.

شانزدهمین سال انتشار "کار"

ادامه از صفحه ۱

مخوفی که بر آن چیره شده، هموار شود و ایران گام در راه دموکراسی، پیشرفت، توسعه و عدالت بگذارد.

انجام این وظایف به تحولات چشمگیری در "کار" منجر شد و آن را در برابرین پرسش قرار داد که: آیا می توان نشریه ای وابسته به یک سازمان سیاسی بود و در عین حال از منافع عمومی ترنیر و های چپ و دموکراتیک نیز دفاع کرد و یا زتاب دهنده این نظرات نیز بود؟

"کار" از بدو انتشار خود همواره نشریه ای سازمانی بوده است و هیچ گاه نیز این وابستگی خود را پنهان نداشتند. "کار" امروز نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است و همین واقعیت است که به آن نقش ویژه ای می بخشد، مواضع آن را دارای اهمیت می سازد و آن را در موقعیتی قرار می دهد که بتواند در خدمت پیشبرد ارزش ها و اهداف چپ و دموکراتیک در ایران باشد.

نقطه قوت "کار" یعنی وابستگی آن به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می توانست و می تواند به یک عامل ضعف و گروهگرایانه در اجرای وظیفه فوق تبدیل گردد، اگر در مفهوم نشریه ارگانی و سازمانی تغییری صورت نمی گرفت. "کار" در دوره اخیر فعالیت خود کوشیده است مفهوم بسته، غیر دموکراتیک و گروهگرایانه سنتی نشریات سازمانی چپ را در گروگن سازد و به مفهوم نشریه سازمانی، قالبی تازه، بازود دموکراتیک بخشد. "کار" جزو نخستین نشریات چپ ایران بود که تحول در این جهت را آغاز کرد. اکنون گرچه سمت عمومی مواضع سیاسی نشریه کار در راستای مواضع سازمان است، اما کار خود را متعهد می داند نظر منتقدین و مخالفین این مثنی را نیز ببیند و سانسور - منعکس کند. تحول در این جهت هنوز به هیچ روی به پایان خود نرسیده و راضی کننده نیست و این پرسش نیز هنوز به پاسخی قطعی نیانجامیده است که مرز این تحول تا کجا است؟ نکته مهم اما این است که پیمودن این مسیر تنها به اراده و تصمیم ما بستگی ندارد. شرط موفقیت در آن است که صاحب نظران، نویسندگان و همه کسانی که به نوعی خود را به طیف چپ، دموکرات و آزادی خواه ایران وابسته می دانند نیز "کار" را در این مسیر یاری کنند.

سخن مادر آغاز شانزدهمین سال حیات نشریه مان این است که: ما می کوشیم "کار" چنان شود که راه این همکاری هر چه بیشتر هموار گردد و از همه صاحب نظران، اندیشمندان و نویسندگان چپ و آزادی خواه کشور نیز صمیمانه دعوت می کنیم "کار" را با فکر و قلم خود یاری دهند.

"کار" را دوازده سال پیش توقیف کردند و به آن اجازه انتشار در

توافق ایران و آلمان

برای تعویق باز پرداخت بدهیهای ایران

تبدیل شده است. رژیم اسلامی به جهت باین آمدن درآمدهای ارزی، قادر به پرداخت قرض هایش نیست و همین خاطر به اعتبار آن در نزد طرف های تجاریش لطمه شدید خورده است. سران حکومت از چند ماه قبل به تلاش وسیعی دست زدند تا دولت آلمان، ژاپن و بلژیک و چند کشور دیگر اروپایی را متقاعد سازند که باز پرداخت بدهی های ایران را به عقب بیاورند.

دولت آمریکا برای مقابله با حکومت اسلامی به طرف های تجاری ایران فشار می آورد که بر سر به تعویق انداختن بدهی های ایران با رژیم اسلامی توافق نکنند. اما دولت آلمان که سیاست متمایزی را نسبت به آمریکا در مورد ایران پیش می برد، به فشارهای آمریکا تن در نداد و با ایران به توافق رسید. سران حکومت این توافق را موفقیت بزرگی به حساب می آورند، هم به جهت کاهش فشارهای مالی و هم در خنثی کردن اقدامات آمریکا علیه رژیم اسلامی.

برای جمهوری اسلامی حفظ و بهبود مناسبات با دولت بن ازا اهمیت زیادی برخوردار است. اخیراً رفسنجانی محمود واعظی را بعنوان نماینده ویژه خود به همراه پیام کتبی نزد هلموت کهل فرستاد. در این پیام او از روند روبه گسترش روابط دو کشور استقبال نمود.

دولت آلمان بر سر نحوهٔ بازپرداخت بدهی های ایران با جمهوری اسلامی به توافق نهایی رسید. موسویان (سفیر جمهوری اسلامی در آلمان) در مصاحبه با خبرگزاری ها اعلام کرد که بر اساس این توافق، بانک های تجاری آلمان کلیه اعتبارات لازم جهت بازپرداخت بدهی های معوقه ایران به آلمان را با ضمانت بانک مرکزی ایران در اختیار یکی از بانک های تجاری ایران قرار خواهند داد. او اضافه کرد در طول یکسال گذشته بخاطر عدم پرداخت بدهی ها که از حجم قابل توجهی نیز برخوردار بودند، روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با اکثر کشورهای عمده طرف تجاری با مشکلاتی روبرو گشت.

موسویان از اعلام میزان بدهی های ایران خودداری کرد. ولی بنوشته مطبوعات آلمان، اعتبار واگذار شده از سوی این کشور به رژیم اسلامی بین ۵ تا ۵ میلیارد مارک می باشد و تحت پوشش بیمه دولتی همس قرار دارد. مسائل مالی بین دو کشور از سوی هیئتی به ریاست معاون وزیر اقتصاد و دارایی و مدیر کل بانک مرکزی، با مسئولین وزارت اقتصاد و چندین بانک آلمان در این مورد مورد حل و فصل قرار گرفت. مسئلهٔ بدهی های خارجی به یک معضل جدی برای جمهوری اسلامی در سطح کشور و جهان

پنجشنبه این هفته (۱۷ مارس) بزرگداشت سمیت باوئر، عضو هیات دولت و هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان فدرال، به عنوان شاهد در دادگاه میکلوس حاضر می شود. اشمیت باوئر در اکتبر ۹۳، دو هفته پیش از شروع دادگاه، به یاد عورت ازفلا حیان، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، بوضوح کوشش کرد در جریان دادگاه به سود دولت جمهوری اسلامی که طراح و سازمانده این ترور است، دخالت کند. به همین مناسبت، کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین، طی اطلاعیه ای از همه ایرانیان دعوت کرده است که در اعتراض به دخالت های دولت آلمان و شخص اشمیت باوئر در جریان دادگاه، و در اعتراض به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، صبح روز پنجشنبه ۱۷ مارس در یک تجمع اعتراضی، در مقابل دادگاه جنائی آلمان حضور بهم رسانند.

ادامه دادگاه برلین ۲۴ فوریه ۹۴

در این هفته مجدداً آقای دکتر باوئر باز پرس پرونده در جلسه دادگاه برای ادای شهادت حاضر شد. در این جلسه دادستان سؤالات خود را مطرح کرد:

س- آیا شما می دانید که امین را در زندان تهدید کرده اند؟

ج- من خودم از این موضوع اطلاعی نداشتم ولی آقای پوست یکی از همکارانم، که با امین ملاقات کرده بود، اظهار داشت که امین را کتک زده اند و به همین دلیل او را در سلول انفرادی نگه داشتند.

س- چه اطلاعات دیگری آقای پوست به شما داده است؟

ج- او به من نامه ای همراه با چند ورقه دیگر نشان داد که روی آنها اشکال مختلفی کشیده شده بود که من چیزی از آن نفهمیدم.

س- آیا شما نامه پوست و نامه های دیگر را بلافاصله در پرونده وارد کردید؟

ج- نه برای اینکه میبایستی همه آنها جمع و جور و تاپ می شد. البته آن نامه و اشکال مختلف که روی آن کشیده شده بود اصلاً مربوط به پرونده و بازپرسی نبوده هر چیزی مربوط به بازپرسی بوده در پرونده وارد کرده ام و می دانم که چیزی جا نینداخته ام و همینطور در هر بازپرسی از امین هم همراه مترجم بوده ام.

س- آیا می توانید بگویند در نامه های امین چه بوده است؟

ج- من راجع به این موضوع بدون موافقت رئیس خودم صحبتی نخواهم کرد.

س- آیا امین از دارایی می ترسیده یا می ترسد؟ وی درباره کارتن اسلحه به شما چه گفته است؟ آیا

گزارش دادگاه برلین این هفته اشمیت باوئر به دادگاه می رود

● ۱۷ مارس یک تجمع اعتراضی در مقابل دادگاه برگزار می شود

گفته های او تناقضی با حرف های قبلی اش نداشته است؟
ج- من در کمال آرامش با امین صحبت می کردم و او را آزاد می گذاشتم که هر چه می داند تعریف کند. امین همان چیزهایی را برای من گفت که قبلاً هم گفته بود و از جمله در مورد کارتن اسلحه گفت که حیدر آن را به خانه آورد. یک هفت تیر و قطعات جدا نشده یک مسلسل هم در آن کارتن بوده است.

س- و کیل خانم نوری دهکردی به پرسش از آقای باوئر پرداخت.

س- آیا شما نامه ای از اداره اطلاعات داشته اید، می توانید محتوای آن را برای ما شرح دهید، منظور هم نامه اداره اطلاعات فدرال آلمان و هم نامه اداره جنائی فدرال آلمان است.

ج- من مسائلی که به بازپرسی مربوط می شود را گفته ام و اگر باز هم میل داشته باشید میتوانم دوباره تکرار کنم، اما درباره آن نامه ها هیچ چیزی نمی توانم بگویم.

وکیل مدافع دهکردی گفت: مسئله بغرنج شده است، نامه ای در پرونده بوده که از پرونده بیرون رفته و شما اطلاعاتی از آن دارید و می توانید آنرا افشاء کنید. ما می ترسیم که اگر این اطلاعات را بدست نیاوریم، دولت (آلمان) چگونه ای تمام فاکت های مهم را ببلوکه کند. در این باره در دادگاه توسط دیگر وکلای هم صحبت شد و قرار شد، دادگاه خود با دولت در تماس باشد و هر چه زودتر این مسئله را روشن سازد. در این باره وکیل خانم دهکردی و دیگر وکلای هم نظر بودند.

س- و کیل امین به طرح سؤالات خود از آقای باوئر پرداخت.

س- آیا شما در بازپرسی به امین پیشنهاد کرده بودید، اگر او حقیقی را بگوید به او پول خواهید داد؟
ج- در تمام بازپرسی های من همیشه مترجم و همکارم یکم حضور داشته و این حرف پول دادن به امین می تواند برایم بعنوان گواهی خود کشی باشد و من از این سؤال شما تعجب می کنم. وکیل مدافع امین بگونه ای دیپلماتیک از دکتر باوئر عذرخواهی کرد. سپس پرسید: آیا همکار شما آقای پوست (Jost) در این باره صحبت نکرده بود؟

س- آیا شما در بازپرسی به امین پیشنهاد کرده بودید، اگر او حقیقی را بگوید به او پول خواهید داد؟

ج- در تمام بازپرسی های من همیشه مترجم و همکارم یکم حضور داشته و این حرف پول دادن به امین می تواند برایم بعنوان گواهی خود کشی باشد و من از این سؤال شما تعجب می کنم. وکیل مدافع امین بگونه ای دیپلماتیک از دکتر باوئر عذرخواهی کرد. سپس پرسید: آیا همکار شما آقای پوست (Jost) در این باره صحبت نکرده بود؟

س- آیا شما در بازپرسی به امین پیشنهاد کرده بودید، اگر او حقیقی را بگوید به او پول خواهید داد؟
ج- در تمام بازپرسی های من همیشه مترجم و همکارم یکم حضور داشته و این حرف پول دادن به امین می تواند برایم بعنوان گواهی خود کشی باشد و من از این سؤال شما تعجب می کنم. وکیل مدافع امین بگونه ای دیپلماتیک از دکتر باوئر عذرخواهی کرد. سپس پرسید: آیا همکار شما آقای پوست (Jost) در این باره صحبت نکرده بود؟

پاسخ این سؤال که آیا تلفنی دستوراتی از آقای پوست دریافت کرده است گفت: من بخاطر ندارم و اگر هم تلفنی راجع به متهمین بشود آن را یادداشت می کنم و به مقامات مسئول منتقل می کنم. امین اصرار داشت که خانم فولکر اطلاعاتی راجع به آمدن او از طریق آقای پوست دریافت کرده است.

پس از آقای هلموت آلکس در جایگاه، شهود قرار گرفت. او هم در پاسخ رئیس دادگاه که آیا از قبل در مورد آمدن متهمین به زندان اطلاع داشته گفت: آمدن متهمین برای من ناگهانی بوده و در آن روز نمیدانستم که آنها متهمین به قتل ۱۴ ایرانی، مخالف رژیم حاکم در ایران، در میکلوس هستند، ما آنها را طبق معمول کنترل کردیم و کلیه جریان را در پرونده وارد ساختیم.

جمعه ۴ مارس ۹۴ - کاظم موسوی زاده از مجاهدین یار دیگر به دادگاه فراخوانده شد تا به سؤالات و کلا پاسخ گوید، در این جلسه بین او و امین تروریست، مشاجرات تندی در گرفت. دادگاه از وکیل مدافع امین خواست که به طرح سؤالات بپردازد. موسوی زاده گفت: مواظب باشید با این سؤالاتی که امین طرح می کند، این تروریست جمهوری اسلامی می خواهد مسیر دادگاه را عوض کند.

پنج شنبه ۱۰ مارس ۱۹۹۴ - میثاقیل کارمند اداره جنائی و مامور دستگیری امین و رایبل در دادگاه بعنوان شاهد حضور یافت.

وی گفت پس از دریافت دستور دستگیری امین و رایبل با عده ای بنیسی به منزل برادر امین در رایبل مراجعه کردند. آقای میثاقیل گفت که ساعت ۲۲ به منطقه رسیده و حدود ۲ ساعت تمام منطقه و خانه های اطراف را کنترل نموده و سپس در ساعت ۲۴ وارد آپارتمانی که امین و رایبل و برادر امین در آن بودند، شدند. رایبل سعی کرد فرار کند، سرش به پنجره اصابت کرد اما مامورین او را مهار کردند و هر سه را با دست بند روی زمین خواباندند، در بازرسی خانه از داخل جمدانها ۱۰،۰۰۰ مارک و پاسپورت هایی به نام های امین و رایبل و از کیف خانم امین مقدار ۳۵۰۰ مارک، که امین می گفت متعلق به خانمش است، بدست آمد. سؤال شد: آیا شما قبلاً می دانستید که امین و رایبل در خانه برادر امین هستند؟

ج- بله ما این را از طریق BND فهمیده بودیم و آنها نشانی کامل برادر امین را به ما داده بودند. من مشخصات پاسپورت ها چه بود؟
ج- پاسپورت های برای متهمین و به نام آنها تهیه شده بود و پاسپورت دیگری هم بود که همه را ضبط کردیم.

ج- بله ما این را از طریق BND فهمیده بودیم و آنها نشانی کامل برادر امین را به ما داده بودند. من مشخصات پاسپورت ها چه بود؟
ج- پاسپورت های برای متهمین و به نام آنها تهیه شده بود و پاسپورت دیگری هم بود که همه را ضبط کردیم.

وزارت ارشاد مطبوعات مستقل را تهدید می کند

مجوز انتشار نشریه میداد. ما نمی گوئیم که از همین فردا شروع کنید به لغو پروانه انتشار برخی نشریات. اما چه دلیل عقلی داریم اهانت به مردم و نظام را در همین محدوده تحمل کنیم؟
انتصاب میرسلیم، سخنان او در مورد مطبوعات و موضوع ستیزه جویانه روزنامه رسالت که موضع جریان نیرومندی در حکومت است، این نگرانی را بطور جدی دامن زده است که فشار بر مطبوعات مستقل بانحاء مختلف شدت گیرد. اما وضع بحرانی جامعه، روحیه و حرکت اعتراضی مردم و گسترش فعالیت های فرهنگی روشنفکران غیر وابسته به حکومت بزرگترین مانعی است که به گرداندگان حکومت اجازه نمی دهد به آسانی خود را از شر مطبوعات مستقل راحت کنند.

در حاشیه مرز دادگاهها

چراغی که به خانه حرام است!

چندی است کتابی با عنوان "ایران در چهار سال از سوی دولت تنظیم و به چاپ رسیده که آخرین آمار و اطلاعات مربوط به شاخص های اقتصادی چهار سال نخست (۶۸-۷۱) برنامۀ اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دولت رفسنجانی را در بر میگیرد. این کتاب اما، قابل دسترس برای مردم و کارشناسان کشور نیست. بسیاری بر این عقیده اند که تهیه این کتاب تنها به این خاطر بوده که در اختیار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار گیرد.

اینکه ما موران بانک جهانی محرم دولت اند و اطلاعات کامل و دست اولی از وضع اقتصادی اجتماعی و سیاسی ایران دارند یک ادعا و اتهام از موضع مخالفت با دولت نیست. چه، همین چند روز پیش بود که روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود از باز کردن پای بانک جهانی به کل شریان اقتصادی کشور و دزدیدن اطلاعات دقیق و به روز کردن آگاهی های دشمنان اسلام نسبت به نقاط ضعف و قوت اقتصاد ایران به فغان آمده بود.

حال، تحلیل گران و کارشناسان کشور به حق می پرسند در حالیکه ما موران و کارشناسان بانک جهانی از ریزترین اطلاعات و حقایق اقتصادی سیاسی کشور ما مطلعند، چرا مردم ما و کارشناسان ایرانی باید از دسترسی به این منابع محروم باشند؟

آموزه های "امام" جهان گیر می شود!

هفته گذشته در خبرها بود که در هند سران مذهبی سیک ها فتوا به قتل یک نویسنده مسلمان داده اند که گویا در کتابش به مذهب سیک ها "توهین" کرده است و برای کشتن او یک جایزه نیم میلیون دلار تعیین کرده اند!

ارتباط بین این واقعه و آنچه خمینی درباره سلمان رشدی کرد، تنها شباهت میان دو کردار نیست، بلکه کارا فراتر از سبک دقیق برگرفته از عمل خمینی درباره سلمان رشدی و نمره آموزه های "امام" است.

براستی افتخار این بدعت رابه حساب چه کسی جز "امام" باید نوشت؟

همینطور طرفداران خمینی که جهانگیر شدن آموزه های امام برایشان غایت آرزوست، ناگزیرند و باید این یکی را نیز به حساب آن بگذارند، حتی اگر معادله این بار معکوس و فرودادن آن برای سینه چاکان خمینی بسیار سخت و گران باشد. و گرنه باید بپذیرند عمل سبک های افراطی همانقدر جنایتکارانه و ضد بشری است که عمل خمینی درباره سلمان رشدی.

هر که نامخت از سر گذشت شعله سعدی...

قاسم شعله سعدی نماینده مجلس است. این بینوا چند ماه پیش سخنی بر زبان آورد و شاید هم از زبانش در رفت که اگر اهل "جازدن" نبود و "طبع شاعری" نداشت و فوراً شعری در رنای ولی فقیه نمی سرود، معلوم نبود چه سرنوشتی پیدا می کرد. او گفته بود: "در قانون اساسی ما تضاد و تناقض وجود دارد، نظام ما نظام ولایت فقیه است ولی توقع مردم از پارلمان مانند توقع فرانسه از پارلمان خودشان، و این عملی نیست زیرا پارلمان در نظام ما نقش درجه یک ندارد. به خاطر دارید صرف اینکه هشت نفر از وزیر امور خارجه سؤالی کرده بودند، موجب متلاشی شدن زندگی سیاسی آنها شد و این نشانگر عدم استقلال مجلس است."

خوانندگان "کار" اطلاع دارند که این سخنان آقای شعله سعدی با چه واکنشی روبرو شد. برادر ناظم نوری که رئیس فدراسیون بوکس و گویا خود نیز یک پامشت زن است، شعله سعدی را تهدید کرد که "اگر توبه نکرد او را می زنیم!". در حالیکه خود ناظم نوری رئیس مجلس بارها به عدم استقلال مجلس اعتراف کرده و گفته بود که "مجلس تابع رهبر است".

حال، ناامخته از سر گذشت شعله سعدی، این بار آقای مرعشی استانداری سابق کرمان که مغضوب بازار و روحانیون شد و از استانداری کرمان برکنار گردید، سخنانی گفته که احتمالاً نباید عقوبتی کمتر از شعله سعدی در انتظارش باشد. او گفته: هر گروهی در مجلس اکثریت پیدا می کند، با اتکا به آن فشارهای بیسیستم اجرائی وارد می شود، این نواقصی است که اگر من بخواهم نقص اش را بگویم نقص بر قانون اساسی است. او را ادامه ایرادات اش به قانون اساسی جمهوری اسلامی، گفته است اگر مجلس دولت را استیضاح می کند، دولت نیز باید حق داشته باشد مجلس را منحل کند.

سخن هفته

پیشنهاد می کنم به بانک مرکزی جایزه نوبل در رشته شیمی اعطا شود. چون واقعا تبدیل ریال به باد هوا کار بزرگی است!

از تلفن یک خواننده به روزنامه های تهران

تشکر

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از تمامی رفقا و دوستانی که با کوشش های بیدرغشان برگزاری جشن شکوهمند بیست و سومین سالگرد بنیانگذاری جنبش فداییان خلق را میسر ساختند تقدیر می کند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۲۹ بهمن ۱۳۷۲

در تهران گفتگو بر سر آینده رفسنجانی است

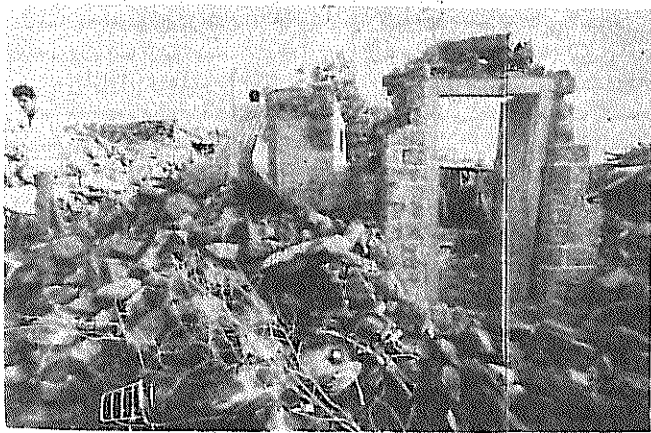
در ایران همگان متفق القولند که جایجاییها در سطوح مقامات دولتی، آشکارا برکناری اطرافیان و مهره های طرفدار رفسنجانی است. پس از برکناری محمد هاشمی از ریاست رادبو تلویزیون، مرعشی استاندار کرمان سبز بنا به دستور بشارتی وزیر کشور - در واقع بنا به خواست محافل بازار و روحانیون - پست خود را از دست داد. هر چند، رفسنجانی او را به ریاست دفتر خود منصوب کرد و چنان از وی تمجید نمود که گویا ارتقا مقام یافته است. شایع است عادل رییس بانک مرکزی نیز استعفا داده و نوربخش مشاور اقتصادی رفسنجانی از پذیرفتن ریاست بانک مرکزی سرباز زده است.

موقعیت رفسنجانی در درون هیات حاکمه جمهوری اسلامی چنان ضعیف شده که دیگر گفتگو درباره آینده وی شروع شده است. آتهم البته نه آینده ای در خشان بلکه آینده ای که در آن بخت چندانی برای او پیش بینی نمی شود. در این ارتباط - از جمله، سخنان قاسم شعله سعیدی نماینده مجلس قابل توجه است که در اظهار نظری گفته است "به نظر من آقای هاشمی این دوره نباید رییس جمهوری می شد. "نا به پیش بینی شعله سعیدی ناطق نوری رییس مجلس اسلامی در دوره بعدی رییس جمهور اسلامی خواهد شد.

از سوی دیگر چندی پیش در تهران شایع بود که رفسنجانی در تلاش است تا سازگاری مجدد در قانون اساسی، موانع انتخاب خود به ریاست جمهوری برای دوره سوم را از پیش ببرد.

اما رفسنجانی در سخنانی که در جمع معاونان و مدیران سازمانهای اداری کشور داشت، احتمال تغییر در قانون اساسی را رد کرد و گفت: "اینجا به عنوان سرباز انقلاب در سنگری دیگر از نظام به فعالیت خواهم پرداخت.

زلزله در چند نقطه کشور



در ۳ هفته اخیر زلزله هایی در چهار منطقه ی کشورمان روی داد که خسارات جانی و مالی قابل توجهی به بار آورد.

دو زمین لرزه در شمال و شرق استان سیستان و بلوچستان به ترتیب با قدرت ۵/۸ و ۶/۶ ریشتر بوقوع پیوستند. در اثر این زلزله ها که در ۴ اسفند رخ دادند ۶ نفر کشته و ۹ نفر مجروح شدند و برای نمونه کلیه ی خانه ها در دهستان سفیدابه زایل که

ساختمان های ۱۱ روستای دیگری میزان ۳۰ تا ۷۰ درصد ویران شدند. در رودبار نیز شاهد زلزله ای بودیم که خوشبختانه تلفات جانی و مالی نداشت ولی باعث شد مردم آن دیار که خاطرات زلزله ی بزرگ پیشین این منطقه از دهشتن پاک نشده است، وحشت زده از خانه هایشان بیرون بیایند.

در زلزله های سیستان و بلوچستان و استان فارس بدلیل شرایط اقلیمی در مقام مقایسه با زلزله هایی مانند زلزله ی سال ۶۹ گیلان دارای تلفات جانی محدود تری بود. ۵۰ هزار کشته و ۱۱۰ هزار مجروح حاصل زلزله ی خرداد ۶۹ گیلان و زنجان بود.

با توجه به اینکه کشور ما یک کشور زلزله خیز است و بر روی کمربند زلزله فرار دارد، آمادگی و

برنامه ریزی برای مقابله با این حادثه ی طبیعی کاملاً ضروری است. در آمار زلزله های ثبت شده از طرف مرکز زلزله شناسی دیده می شود که از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۹ در ایران بر اثر زلزله ۵۵۰ هزار نفر کشته شده اند.

دیدار قائم مقام وزارت خارجه عراق از ایران

از جانب مجاهدین خلق ایران که هنوز بخش قابل توجهی از آنها در عراق مستقرند، مانورهای نظامی هشدار دهنده ای با کمک حکومت های میزبان انجام شد.

هدف این دیدار آنطور که از زبان مقامات حکومتی جاری شد و در روزنامه های رژیم منعکس شد، ایجاد زمینه های اطمینان و اعتماد

متقابل دو کشور و پیدا کردن راه های توسعه روابط دو جانبه بود. در پایان دیدار، کمیته هایی برای حل مسائل فی مابین تشکیل گردید که از میان آنها از کمیته حل مسئله اسیران دو کشور، کمیته بررسی وضع مفقودان و کشته شدگان جنگ و کمیته ی بررسی وضعیت هواپیماهای وارد شده به ایران در زمان جنگ خلیج فارس می توان نام برد.

جدد از موضوعات فوق که رسماً با تازاب یافت، بدون شک منافع مشترک دو رژیم در عرصه های دیگر نیز مورد بحث بوده است. مخالفت شدید هر دو رژیم با خود مختاری کرد ها و اختلافات معین هر دو کشور با دیگر کشورهای عرب منطقه و همچنین تمایل به داد و ستد پنهانی از طرف غیر مجاز و دوران چشم ناظران سازمان ملل متحد، دو رژیم را به هم نزدیک می کند.

اما علیرغم نزدیکی ها و امیال مشترک دو رژیم، هنوز سایه عوارض یک جنگ ۸ ساله که قربانیان و خسارات زیادی برای دو کشور به همراه آورد، بر روابط دو جانبه سنگینی می کند. عادی شدن روابط دو کشور بوی شک از بحران و تنشج موجود در منطقه می کاهد، به شرط آنکه رژیمهای حاکم بر تهران و بغداد نتوانند و به آنها اجازه داده نشود این عادی شدن روابط را در خدمت اهداف توسعه طلبانه ای که دنبال می کنند قرار دهند.

در اوایل این ماه عبدالعزیز سعد الفیصل قائم مقام وزارت امور خارجه ی عراق در راس یک هیئت ۷ نفره از مقامات عراقی مهمان جمهوری اسلامی بود. این سفر در پاسخ به دعوت محمد جواد ظریف معاون امور بین الملل وزارت خارجه رژیم که چندی پیش سفری به عراق داشت صورت پذیرفت. این سفر قرار بود مدت ها زود تر صورت پذیرد و مقدمات دیدار وزیران خارجه ی دو کشور فراهم آورد، اما ظاهراً دادن اجازه به نمایندگان سازمان ملل برای رسیدگی به شکایات مهاجران شیعه ی تبعیدی عراق در جنوب کشور از جانب ایران در سردی روابط چند ماه گذشته ی دو کشور که به سرعت روبه نزدیکی می رفتند، بی تأثیر نبوده است.

در این چند ماه علاوه بر تجاوزات مرزی دو کشور، هم از جانب شیعیان عراقی مقیم ایران و هم

از سوی دیگر چندی پیش در تهران شایع بود که رفسنجانی در تلاش است تا سازگاری مجدد در قانون اساسی، موانع انتخاب خود به ریاست جمهوری برای دوره سوم را از پیش ببرد.

رویدادهای ورزشی

تیم ملی فوتبال هم چنان بی سرپرست است

فرصت زیادی تا آغاز مسابقات آسیایی هیروشیما باقی نمانده است، اما تیم ملی فوتبال ایران همچنان فاقد سرپرست و رهبری است و این در حالی است که در هیروشیما ایران باید از عنوان قهرمانی آسیایی خود که ۴ سال پیش در چین بدست آورد، دفاع کند. علی پروین سرمربی سابق تیم ملی دنبال شکستهای سخت تیم

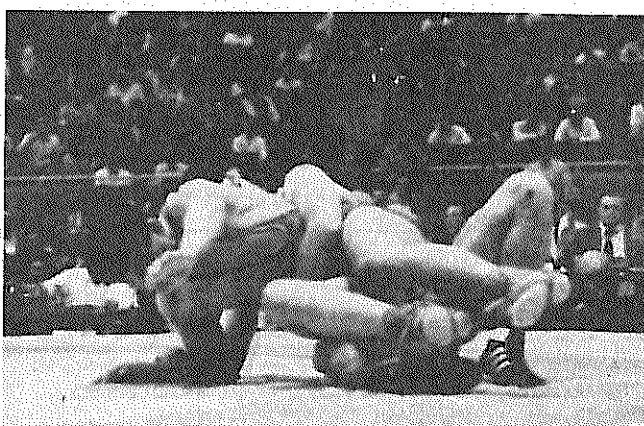
فرصت زیادی تا آغاز مسابقات آسیایی هیروشیما باقی نمانده است، اما تیم ملی فوتبال ایران همچنان فاقد سرپرست و رهبری است و این در حالی است که در هیروشیما ایران باید از عنوان قهرمانی آسیایی خود که ۴ سال پیش در چین بدست آورد، دفاع کند. علی پروین سرمربی سابق تیم ملی دنبال شکستهای سخت تیم

رئیس جدید تربیت بدنی:

پایه های ورزش در جایگاه واقعی خود قرار ندارد

محمد هاشمی طباطبائی سرپرست تازه سازمان تربیت بدنی در یکی از نخستین سخنرانی های خود پس از انتصاب بدین سمت گفت: پایه های ورزش در ایران در جایگاه واقعی خود قرار ندارد و سازمان تربیت بدنی باید پایه های ورزش را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. وی وظیفه سازمان تربیت بدنی را گسترش ورزش در بین اقشار مختلف مردم

عنوان کرد و افزود: در سازمان باید فکر جدید نیاز به نیرو کار جدید دارد. هاشمی طباطبائی در سخنرانی خود به باید ها و نبایدهای دیگری نیز اشاره کرد، اما به نظر نمی رسد که جایجایی رئیس سازمان تربیت بدنی جز به جایجایی مسئولین دستگاه ورزش به نتیجه دیگری برای ورزش بیمار ایران بیانجامد.



تیم کشتی فرنگی ایران در مسابقات بین المللی نیکلا پتروف در بلغارستان با مدالهای نقره مسلم شیرزاد در ۴۸ کیلو و برنزی مجید موسوی در ۶۸ کیلو گرم به مقام چهارم رسید.

علی دایی در آلمان

اورد. از همان زمان وی مورد توجه مسئولین چندین تیم اروپایی قرار گرفت و سرانجام به پیوستن به باشگاه شالکه رضایت داد. علی دایی تاکنون چندین بار در تمرینهای این تیم شرکت کرده، اما هنوز قرارداد نهایی به امضا نرسیده است.

علی دایی بازیکن خط حمله تیم ملی فوتبال ایران، راهی آلمان شد. قرار است وی به باشگاه شالکه ۰۴ بپیوندد. این باشگاه از باشگاههای دسته اول آلمان است. علی دایی در مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال در قطر به عنوان یکی از بهترین بازیکنان آسیا درخشید و عنوان بهترین گل زن مسابقات را نیز بدست

خبرهای کوتاه

تظاهرات دانشجویان دانشگاه ملی

طبق گزارش های رسیده از تهران، بدنمال اعتراض های گسترده ی دانشجویان دانشگاه ملی (بهشتی) به وضعیت ناخوار خوابگاه های این دانشگاه و دیگر نارسائی ها، گروهی از دانشجویان دست به تظاهرات زدند و خواستار توضیحات رئیس دانشگاه شدند، در اثر بی توجهی رئیس دانشگاه و عدم حضور او در جمع دانشجویان، آن ها بعد از ۱۲ ساعت تحصن شبیه های ساختمان مرکزی را شکستند.

پیش تر نیز ۲۰۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه ملی با تجمع در محوطه ی این دانشگاه نسبت به غیر قابل سکونت بودن و عدم برخورداری از امکانات بهداشتی و وسایل گرم کننده خوابگاه ها اعتراض کرده بودند.

ممنوعیت های تازه برای تحصیل زنان در خارج از کشور

وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد پذیرفته شدگان متاهل زن در انتخابات اعزام دانشجویان که شوهرانشان مشغول انجام خدمت سربازی هستند، اجازه تحصیل در خارج از کشور را نخواهند داشت و مجبورند تحصیل خود را در یکی از دانشگاه های کشور ادامه دهند. وزارت آموزش عالی دلیل این تصمیم را خودداری وزارت کشور از مرخص کردن شوهران سربازان این گروه از بانوان اعلام کرده است. مطابق قوانین جمهوری اسلامی زنان برای تحصیل در خارج از کشور باید شوهران خود را نیز همراه داشته باشند.

وزارت علوم و آموزش عالی هم چنین اعلام داشت شرکت زنان مجرد در امتحان اعزام دانشجویان ممنوع است.

امتیازات فرزند چهارم لغومی شود

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: قانون لغو امتیازهای فرزند چهارم خانواده ها از اول اردیبهشت سال آینده به اجرا گذارده خواهد شد. به گفته این سازمان کلیه بیمه شدگان تامین اجتماعی و خدمات درمانی از اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳ اگر صاحب فرزند چهارم و یا بیشتر شوند بایستی حق بیمه ای جداگانه و بر اساس تعرفه متفاوتی بپردازند. این تصمیم در جهت مقابله با افزایش جمعیت کشور اتخاذ شده است.

توزیع فیلمهای آرشیو صدا و سیما

مهدی سلیمی معاون توزیع موسسه ی تازه تشکیل شده ی رسانه های تصویری اعلام کرد که بزودی فیلم های موجود در آرشیو صدا و سیما از طریق فروشگاه های این موسسه در اختیار مردم قرار می گیرد. وی گفت: این موسسه می تواند در تحولات فرهنگی کشورها ناممکن سازد و از این پس نظام برای مقابله با دست های نامحرم صاحبان تکنولوژی ارتباطی، که در خلوت خانواده ها راه می یابند از یک تربیون اجرایی و ارتباطی با فتنی دولتی مردمی برخوردار است. قرار است در فروشگاه های این موسسه علاوه بر فیلم های خارجی و ایرانی، کاست های موسیقی و کلیه ی نشریات منتشره در داخل کشور نیز عرضه شود.

اعلام آمادگی حوزه برای همکاری با صدا و سیما

به دنبال تغییر ریاست رادبو تلویزیون جمهوری اسلامی و انتصاب لاریجانی از جانب خامنه ای، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم برای همکاری با سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرد. آنها در اطلاعیه ای که به این مناسبت منتشر کرده اند به نقش مهم صدا و سیما به عنوان کانونی برای صدور فرهنگ اسلامی اشاره کرده، اپراز امیدواری کرده اند که لاریجانی رئیس جدید این سازمان با بهره برداری از منابع اصیل اسلامی در حوزه های علمیه بتواند سهم وافری در تربیل سازمان صدا و سیما به یک دانشگاه بزرگ اسلامی ایفاء کند.

دستور تجدید سازمان وظیفه عمومی

مشمولانی که با داشتن معافیت تحصیلی در خارج از کشور تحصیل می کنند پس از ترک و یا فراغت از تحصیل موظفند حداکثر ظرف یکسال خود را به سازمان وظیفه عمومی مربوطه در داخل کشور معرفی کنند. مهلت مذکور برای آن دسته از فارغ التحصیلان خارج از کشور که بعنوان عضو هیئت علمی جذب دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی می شوند به دو سال افزایش می یابد.

تاسیس شرکتهای تازه دولتی ممنوع شد

مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه بودجه سال ۷۳ تاسیس و گسترش شرکتهای دولتی در سال آینده را ممنوع کرد. این بانکها و موسسات اعتباری را از این محدودیت مستثنی کرده است. این تصمیم با هدف صرفه جویی در بودجه دولتی اتخاذ شده است.

مدیر مسئول کیهان هوایی تیر نه شد

عباس سلیمی نمین، مدیر مسئول هفته نامه کیهان هوایی، در دادگاه مطبوعات تیر نه شد. علیه او از سوی سعیدی سیرجانی و سعیدی خزاسانی شکایاتی به دادگاه مطبوعات صورت گرفته بود.

تجمع دانشجویان در حمایت از قانون اساسی

گروهی از دانشجویان حزب اللهی دانشگاه تهران در حمایت از قانون اساسی دست به یک تجمع زدند. در بیانیه ای که در پایان این تجمع از سوی آن ها قرائت شد، نقض قانون اساسی توسط مسئولین امر بطور عمده و ویژه عدول از اصول صریح قانون اساسی و تهدید دانشجویان به برخورد پلیسی و امنیتی توسط وزیر کشور بطور اخص شد بدآورده و انتقاد فراوانی از آن در پایان این بیانیه از مجلس شورای اسلامی در خواست شده که وزیر کشور را مورد استیضاح قرار دهد تا دیگر کسی جرأت نکند از قانون تخطی کند.

تصمیمات جدید برای کنترل نرخ ارز از روی "بی چارگی" است

سرانجام پس از چند ماه به نعل و به میخ زدن، شورای اقتصاد و هیئت دولت جمهوری اسلامی چرخش سیاست اقتصادی ارزی خود را که از پاییز امسال متعاقباً بالا رفتن سریع قیمت ارزهای خارجی آغاز کرده بودند، در هفته پیش کاملاً رسیت بخشیده، سیاست "تک نرخی کردن" ارز را ترک گفتند و به سیاست اقتصادی دولت پیشین که در چند سال اخیر در هر فرصتی به آن تاخته بودند، روی آوردند.

مقامات اقتصادی کشور عمده ترین دلیل این چرخش را کاهش تقاضای برای ارز در بازار آزاد ذکر کرده اند. با اینکه مسئولان تصمیمات گرفته شده در ۱۴ اسفند ماه را موقتی خوانده و گفته اند که از سال آینده گشایش اعتبارات بصورت عادی انجام می شود، اما هم دورنمای اقتصادی کشور و هم سرشت تصمیمات گرفته شده حکایت از دربرپای بودن آن دارد.

تصمیمات گرفته شده از جانب شورای اقتصاد و هیئت دولت جمهوری اسلامی به ترتیب زیر فرموله شده است:

- ۱- ارز لازم برای ثبت سفارشهای باقیمانده در بانک مرکزی بصورت حواله ای توسط بانک مرکزی اختصاص می یابد و تا پایان سال جاری در مورد آنها اقدام لازم به عمل می آید.
- ۲- بانک مرکزی ارز لازم برای ثبت سفارش های اولویت داری را که در بانک ها موجود است اختصاص می دهد.
- ۳- بانک مرکزی از ابتدای سال ۷۳ تریبی انتخاب می کند تا تقاضای ارز برای تمام ثبت سفارش های انجام شده را از طریق روش های معمول بانکی، نظیر افتتاح اعتبار اسنادی توسط بانک های تجاری، به این ترتیب همه متقاضیان واردات کالا از طریق افتتاح اعتبار اسنادی... در یکی از بانک های تجاری ارز مورد نیاز خود را با نرخ شناور بانک تأمین می کنند.

۴- با توجه به اینکه ورود هرگونه کالا فقط از طریق ثبت سفارش در وزارت بازرگانی و از طریق مجاری قانونی میسر است، لذا سازمانهای ذیربط مکلفند تمهیدات لازم برای مبارزه با شدد تریا قاچاق را بعمل آورند و با متخلفین برخورد کنند.

۵- بانک مرکزی در مواقع لزوم به نحو مقتضی نسبت به دخالت در بازار ارز مبادرت خواهد کرد.

۶- افزایش قیمت محصولات کارخانه ها و شرکت های دولتی بدون تصویب شورای اقتصاد ممنوع اعلام می شود.

یکی از مهمترین رئوس تصمیمات گرفته شده حواله ای کردن بخش زیادی از تقاضای ارز است تا بانک مرکزی بتواند ارز را به تأمین نیازهای اساسی جامعه اختصاص دهد و امکان اولویت

صعود قیمت نفت در آینده نزدیک متصور نیست.

در کار شماره ۷۸ به یک سری از تلاش های کشورهای عضو اوپک جهت بالا بردن قیمت نفت اشاره داشتیم. در اثر این تلاش ها کشورهای مذکور امیدوار بودند که بتوانند پشتیبانی کشورهای غیر اوپک را برای کاهش تولید نفت بدست آورند. به گفته منابع اوپک، کشورهای تولید کننده ی غیر عضو اوپک و در رأس آنان انگلیس و نروژ تاکنون مایل به همکاری با این سازمان نبوده اند و ادامه ی مذاکرات با آنها حاصلی دربر نخواهد داشت.

متخصصین بازارهای نفتی معتقدند که اگر در اجلاس آتی اوپک در ژنو خود کشورهای عضو نتوانند بر سر کاهش تولید به توافق برسند، بهای نفت اوپک به میزان ۲ دلار کاهش می یابد و به بیشک ای ۱ دلار خواهد رسید. برخی از کارشناسان اظهار نظر کرده اند که کاهش ۵

در کار شماره ۷۸ به یک سری از تلاش های کشورهای عضو اوپک جهت بالا بردن قیمت نفت اشاره داشتیم.

در کار شماره ۷۸ به یک سری از تلاش های کشورهای عضو اوپک جهت بالا بردن قیمت نفت اشاره داشتیم. در اثر این تلاش ها کشورهای مذکور امیدوار بودند که بتوانند پشتیبانی کشورهای غیر اوپک را برای کاهش تولید نفت بدست آورند. به گفته منابع اوپک، کشورهای تولید کننده ی غیر عضو اوپک و در رأس آنان انگلیس و نروژ تاکنون مایل به همکاری با این سازمان نبوده اند و ادامه ی مذاکرات با آنها حاصلی دربر نخواهد داشت.

متخصصین بازارهای نفتی معتقدند که اگر در اجلاس آتی اوپک در ژنو خود کشورهای عضو نتوانند بر سر کاهش تولید به توافق برسند، بهای نفت اوپک به میزان ۲ دلار کاهش می یابد و به بیشک ای ۱ دلار خواهد رسید. برخی از کارشناسان اظهار نظر کرده اند که کاهش ۵ درصد از سقف تولید فعلی یعنی سقف ۲۴/۵ میلیون بشکه در روز، بهای نفت اوپک را بشکلی که یک دلار افزایش خواهد داد.

کشورهای عضو اوپک در حال حاضر نقش کم اهمیت تری در تولید نفت جهان نسبت به سال های ۷۰ دارا می باشند. اوپک در دهه ۷۰ میلادی به تنهایی ۷۰ درصد نفت دنیا را تأمین می کرد که این سهم اکنون به ۴۰ درصد کاهش یافته است.

روزنامه ی اقتصادی لوز کوچانی پاریس نوشت: با توجه به عدم همکاری کشورهای غیر عضو اوپک در زمینه ی کاهش تولید و عدم توانایی اوپک در برقراری نظم در داخل تشکیلات خود، قیمت نفت دوباره روند نزولی در پیش گرفته است. بنا به این گزارش بهای نفت برنت اینک ۴ دلار در هر بشکه کمتر از بهای یک سال گذشته است.

بنیانگذاران روانکاوی اطفال در ایران شمرده می شود. خانم دارابی که استاد دانشگاه و به این شغل بسیار علاقه مند بود، در سال ۶۹ از دانشگاه اخراج شد.

در مراسم یادبود دکتر دارابی که روز جمعه ششم اسفند ماه (۲۵ فوریه) در مسجد جواد تهران برگزار شد، بیش از ۱۰ هزار تن از جمله متخصصین و دانشجویانی حتی از شهرهای دیگر شرکت کرده بودند.

بنابه گزارش های منتشر شده استقبال از این مراسم به گونه ای بود که بسیاری از مردم در خیابان های اطراف میدان هفت تیر (بیست و پنج شهریور سابق)، محل برگزاری مراسم گرد آمده بودند و پلیس رفت و آمد وسایل نقلیه را در محل ممنوع کرد. روزنامه "عرب زبان الحیات" که در لندن، فرانکفورت و بیروت منتشر می شود، نیز در شماره روز شنبه هفتم اسفند ماه (۲۶ فوریه) خود خبر از شرکت هزاران نفر در مراسم خاک سپاری دکتر دارابی داده است.

در مراسم هفتمین روز جان باختن دکتر دارابی تهران روی در بهشت زهرا گرد آمدند.

اکثر روزنامه های تهران ابتدا از درج خبری پیرامون این خودسوزی خودداری کردند. تنها روزنامه اطلاعات به چاپ پیام های تسلیت پیرامون واقعه نامبرده اقدام کرد.

روزنامه کیهان از درج این پیام ها سرباز زد. اما رژیم پس از آن که در برابر واقعیت انعکاس وسیع جان باختن دکتر دارابی قرار گرفت، با چاپ مطلبی در روزنامه های

جمهوری اسلامی و کیهان هوایی مدعی شد که وی یک بیمار روانی بوده است!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از اطلاع از جان باختن خانم دکتر هما دارابی، پیام تسلیتی خطاب به بستگان وی و حزب ملت ایران صادر کرد.

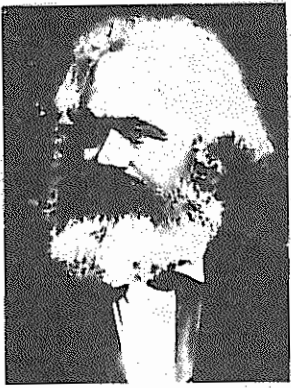
بسیاری از جریانات سیاسی دیگر نیز پیام های تسلیتی به حزب ملت ایران داده اند.

این در حالی است که منابع وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران، از جمله تلفن خیری آنها به نقل از خانم مریم متین دفتری، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت مدعی شدند که دکتر هما دارابی عضو کمیسیون زنان جبهه دموکراتیک ملی ایران بوده است.

این اقدام واکنش اعتراضی شدید حزب ملت ایران را برانگیخت. بنیاد ایرانی حقوق بشر در واشنگتن به بررسی امکان تشکیل یک گروه ملی جهانی و بویژه یک برنامه اعتراضی جهانی در روز سیزدهم فروردین (۲۲ آوریل) که مصادف با چهلمین روز جان باختن دکتر دارابی می باشد، پرداخت.

گفته می شود احتمال دارد نمایندگان آزادی سازمان های بین المللی برای بررسی این خودسوزی به تهران بروند. از جمله سازمان های مذکور، می توان به سازمان بین المللی زنان، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و کمیته های دفاع از حقوق بشر اشاره کرد.

فرزانه ای که آرمانش رهایی انسان بود



۱۴ مارس ۱۱۱ مین سالگرد خاموشی مردی است که اندیشه هایش در سده اخیر راهنما و الهام بخش جنبش های آزادی طلب و دادخواه بسیاری بوده است. مردی که خواری حرمت انسان در پای نا آگاهی و جبر اقتصادی را بر نمی تابید و اندیشه رانه در خدمت تبیین صرف جهان بلکه در خدمت تحول و دگرگونی آن می خواست. ندای جاودانه او که "نظراگر بخواهد اثر داشته باشد می باید راه به تلاش و کوشش عملی بگشاید" هنوز هم در چهار گوشه جهان و در میان کوشندگان راه آزادی و بهروزی انسان طنین انداز است. سخن از کارل مارکس است، مردی که همه چیز را در تحول و دگرگونی میدید و بر آن بود که انسان باید با وره اسارت و بندگی محتوم خویش رازها کرده و آگاهانه و تلاشمند تحول تاریخی سرنوشت خود را رقم زند. همو بود که خوار داشت انسان را بر نمی تابید، آزادی او را میستود و انقیادش را به دیده تنفر می نگریست.

مارکس بر خلاف جوهر خلاق و شرایط شناس آن برای هر وضعیتی مناسب تشخیص داده شد و بدینسان تاریخ بازیچه اراده عدالت خواهانی ساده نگر گردید که خود را رهروان راستین مارکس می پنداشتند.

با این همه اما، چهره درخشان مارکس همچنان از خدشه و غبار مصون مانده و آرمان انسانگر، دادجو و عدالت خواهانه وی، نگاه دیالکتیکی و چندسویه اش به پدیده ها و روندها و بسیاری نیز از اندیشه های اجتماعی و فلسفی اش کماکان بر کردار و بینش نیروی عدالتخواه و آزاد بطلب چپ سایه افکن و تاثیر گذار است.

مارکس در سال ۱۸۱۸ چشم به جهان گشود و پس از عمری تلاش اندیشگی و عملی در راه آرمان انسانی اش سرانجام در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ درود حیات گفت و در آرامگاه های گیت لندن به خاک سپرده شد. یاد و نام و اندیشه او اما تاریخ گذشته و حال را مدیون خویش ساخته اند.

اعدام پنج تن از مبارزین کرد

ادامه از صفحه ۱
اعتراضات خود را علیه این اعدام ها رساتر نمایند.
مآ اعدام مبارزین وابسته به حزب دموکرات کردستان ایران از تمام مجامع بین المللی و کمیته های دفاع از آزادی و حقوق انسانی خواسته است تا صدای

پیام همدردی

از سوی روابط بین المللی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیام همدردی به مناسبت فاجعه مسجد الخلیل به سازمان آزاد بیخش فلسطین داده شد. متن این پیام را در زیر می خوانید:

بانهات تا سلف از کشته و زخمی شدن شمار کثیری از مردم بیگناه فلسطین در الخلیل، توسط افراد مسلح اسرائیلی آگاه شدیم. بنظر ما این فاجعه از عدم جدیت دولت اسرائیل در پذیرش حق قانونی مردم مستمده فلسطین، مسامحه این دولت در تأمین امنیت اهالی مناطق اشغالی و ایجاد زمینه برای قدرت گیری نیروهای افراطی ناشی می شود. امید که مبارزه بر حق مردم فلسطین زیر رهبری سازمان آزاد بیخش فلسطین، به استقرار صلحی جامع در منطقه و همزیستی و ملت فلسطین و اسرائیل بیانجامد.

ما ضمن محکوم کردن اقدام تروریستی در الخلیل، همدردی عمیق خود را با شما مردم فلسطین اعلام کرده و برای بازماندگان این فاجعه با پایداری آرزوی کنیم.

روابط بین المللی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۶ فوریه ۱۹۹۴

دوست ارجمند آقای علی توسلی

همدردی و تسلیت ما را به خاطر درگذشت پدر گرامی تان بپذیرید.

کار

رفیق گرامی آقای علی توسلی

درگذشت پدر گرانقدرتان را به شما و خانواده گرامی تان صمیمانه تسلیت گفته و خود را در غم شما سهیم می دانیم.

عبد الرحیم پور و خاتوا ده

خودسوزی دکتر هما دارابی

بزرگداشت هما دارابی به نمایش سیاسی علیه حکومت بدل شد

بعد از ظهر روز دوشنبه دوم اسفند ماه (۲۱ فوریه) خانم دکتر هما دارابی تهرانی با سردادن شعارهای پاینده باد ایران و مرگ بر استبداد خود را در شمعیران تهران به آتش کشید. وی در اثر شدت وارده ساعت دو با مادام روز سه شنبه سوم اسفند ماه (۲۲ فوریه) در یکی از بیمارستان های تهران دیده از جهان فرویست.

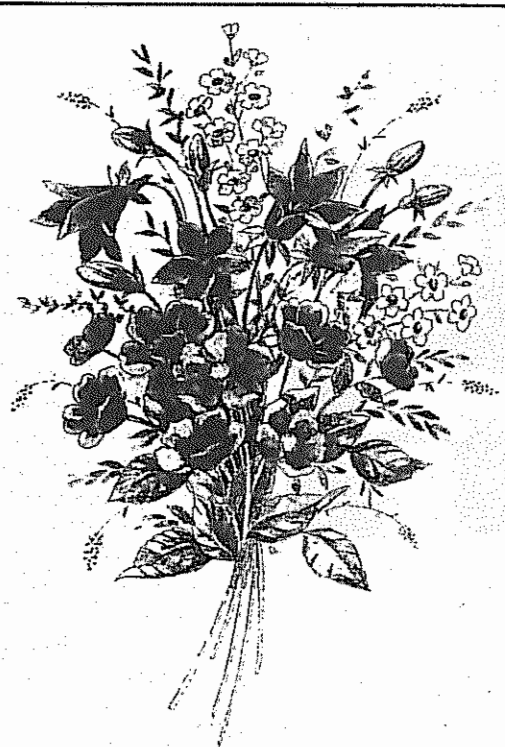
پیام تسلیت به حزب ملت ایران به مناسبت جان باختن خانم دکتر هما دارابی

دوستان عزیز!

با تأثر فراوان از درگذشت جان خراش خانم دکتر هما دارابی، عضو برجسته حزب ملت ایران اطلاع حاصل کردیم. هما دارابی مبارز آزاده ای بود که سال ها علیه استبداد و در راه استقلال و آزادی ایران پیکار نمود. فریاد اعتراض او بی گمان در مبارزه هزاران هزار زن و مرد آزاده میهن مان علیه استبداد با زتابی زینده خواهد یافت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم دردی عمیق خود را با بستگان آن زنده یاد، با حزب ملت ایران و بارهبر حزب آقای داریوش فروهر اعلام می دارد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ششم اسفند ماه ۱۳۷۲



روز جهانی زن گرامی باد!

اختصاص روزی ویژه به زنان نشان از سستی دارد که پرزنان روا می‌شود و شاهد ادعای نابرابری میان زن و مرد است. این واقعیت تلخی است که در سراسر کرهٔ خاکی گرچه با تفاوت‌هایی گاه چشمگیر اما به هر حال زنان انسان‌های درجهٔ دوم بشمار می‌روند.

کار فراسیدن روز جهانی زن را به تمامی انسان‌های آزاد، روشن بین و مترقی بویژه زنان میهنان تیریک می‌گوید؛ زنانی که بویژه در ۱۵ سال گذشته تحت ستم همه‌جانبه جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند.

زندانی بنیاد گرای

درست جلوه دادن آن بی‌عدالتی می‌کنند. آثار او واقعاً خوانندگان زیادی دارد. رمان "LAJJA" توصیف درد ورنج یک خانواده هندی مقیم بنگلادش است که بعد از آنکه در هندوستان مسجد یاربی توسط جدی می‌گیرد؟ اومی گوید: "یک بنیاد گرای به تنهایی هم می‌تواند که به اندازهٔ صد نفرشان مرگ آفرین باشد." در نمایشگاه کتاب سپتامبر سال گذشته (۱۹۹۳) در داکا پایتخت بنگلادش چند صد نفر از بنیاد گرایان اسلامی به غرفه‌ای که او در آنجا کتابش را معرفی و پشت نویسی می‌کرد هجوم آوردند و ۳۱ ساله بعد از آنکه تهدید به مرگ شد، باز هم به نوشتن ادامه می‌دهد.

اولین حکم محکومیت نسربین بعد از آنکه او خواهان آزادی بیان برای سلمان رشدی شد از طرف بنیاد گرایان اسلامی صادر شد. مخالفت نسربین با اجباری کردن حجاب و بیرون راندن زنان از ادارات دومین حکم محکومیت را برای او بدنبال داشت. تفسیرهای وارونه او از قرآن و سایر کتب اسلامی علت محکومیت او اعلام شده است.

این دکتر جوان با رمانش "LAJJA" (بیشری) و مقالاتش در روزنامه‌ها، ضربه‌ای به لانه زنبورها زده است. شجاعت او ناشی از چیست؟ اومی گوید: "من آن چهار چوب سنتی را که برای یک زن در نظر گرفته می‌شد شکسته‌ام. من می‌خواستم روی پاهای خودم بایستم و به کسی وابسته نباشم و امیدوارم که سایر زنان هم زنجیرهایشان را پاره کنند. آواز سن ۱۳ سالگی شروع به نوشتن کرده است. زمانی که من در جامعه بی‌عدالتی می‌بینم سعی می‌کنم تا راجع به آن بنویسم حتی اگر که کتاب مقدس یک گروه مذهبی هم سعی در

زبان نسربین ساده، واضح و تحریک کننده است. جامعه‌ای این چنین رادیکال مرا مجبور می‌کند تا رادیکال بنویسم. در غیر این صورت کسی توجه نخواهد کرد. در این جا بایستی که رادیکال بود و من رادیکال هستم. این جواب نسربین به آنهاست که نظراتش را برای بنگلادش محافظه کار خیلی تند می‌دانند. او در کشورش مورد حمایت روشنفکران و نویسندگان و نسل جوان زنان قرار دارد. بعضاً هم او توسط گروه‌های زنان و سازمان‌های مخالف بنیاد گرای بی‌خاطر غیر قابل تفکیک بودن روابط تصویر شده‌اش مورد انتقاد قرار می‌گیرد. گاهی هم چنان رفتاری کند که انگار او تنها زنی است که برای آزادی زنان و علیه

ادامه در صفحه ۷

زنان آزاده و نام آور ایرانی از دیرباز در راه توسعه دمکراسی ایران گام نهادند. راهی که آنان از گذشته‌های دور تاکنون طی نموده‌اند، از سوره زارهای کویری و از کوره راه‌های پر سنگلاخ زندگی عبور نموده است.

به بهانه ۸ مارس روز جهانی زن از آنان یاد می‌کنیم.

از طاهره غره‌العین دیروز تا فروغ و سمین بهیانی امروز. از زینب پاشا تا فاطمه مدرس تهرانی، پروین گلی آبکناری و سهیلا درویش کهن، نام آورانی که زندگی‌شان هر یک نوعی مبارزه‌ای برای درگونی و پیشرفت هر چه بیشتر زنان ایرانی بوده است. هر یک در عرصه‌ای طی مسیر

در اواخر سلطنت قاجار که درس خواندن دختران ممنوع بود، زنان روشنفکر علیرغم مخاطرات بسیار به تاسیس مدارس دخترانه همت گمارند. نخستین کوشنده در این راه زنی است بنام بی‌بی خانم که مدرسه دوشیزگان به سبک نوین برای اولین بار به همت او در سال ۱۳۲۴ قمری تاسیس شد. او در دوره‌ای به این کار بزرگ اقدام کرد که شیخ فضل الله نوری فتوا می‌داد: تاسیس مدارس دختران مخالف با شرع اسلام است.

بدنبال بی‌بی خانم، خانم طوبی آزموه مدرسه فارس، خانم ماهرخ گوهر شناس مدرسه دخترانه ترقی نیات، خانم امیر صبحی ماه سلطان مدرسه تربیت نسوان و خانم دره‌المالی مدرسه دره‌المالی را در تهران تاسیس کردند. زنانی که به تاسیس مدارس دخترانه دست می‌زدند، غالباً مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. صدیقه دولت آبادی آزاده زنی است که

زنان قرار داد. از ویژگی‌های این انجمن آن بود که مردان نیز اجازه داشتند همراه همسران و یاد دختران خود در جلسات آن شرکت کنند، اما اداره جلسات و ایراد سخنرانی‌ها تماماً با زنان بود. گردانندگان انجمن معتقد بودند: کار سیاسی در میان زنان، بخشی از کار تربیتی در میان مردان را در بر دارد. قابل ذکر است که افتخار السلطنه و تاج السلطنه - دختران ناصرالدین شاه - نیز از اعضای این انجمن بودند. تاج السلطنه (توران) از زنان روشنفکر و آگاه دوره خود بود. تاج السلطنه درباره وضع زنان ایران می‌گفت: "زندگی زن ایرانی یا به رنگ سیاه است یا سفید. تا پای گوربا آن هیکل موحش مدفون در حجاب سیاه‌اند و در گور آراسته به کفن سفید. تا زنده اند از صبح تا شام در یک محبس مانند بهایم زندگی می‌کنند. خیلی محزون هستیم، چرا که هم جنسان من یعنی زنها ایرانی حقوق خود را ندانسته و هیچ در صدد تکالیف انسانی خود بر نمی‌آیند."

آغاز گران جنبش زنان در ایران

تنظیم از: عفت ماهباز. منابع: زنان در جنبش مشروطه از عبدالحسین ناهید و مقاله‌ای از همانا طاق

مدرسه "مکتب خانه شرعیات" را در سال ۱۲۹۶ شمسی در اصفهان تاسیس کرد. این مدرسه بعد از سه ماه به دستور دولت وقت تعطیل شد و از بانو دولت آبادی تبعید گرفتند که دیگر دست به چنین کارهایی نزنند. اما او یک سال بعد شرکتی به نام "خوانین اصفهان" تاسیس کرد و به سازماندهی زنان این شهر دست زد. او همزمان، اقدام به انتشار روزنامه‌ای کرد که با وجود مخالفت‌های بسیار آن، ۳ سال انتشار یافت. این روزنامه سرانجام به خاطر درج مقاله‌ای علیه قرارداد ننگین و توقیف السلطنه توقیف شد. رئیس نظمی اصفهان هنگام توقیف این نشریه به خانم دولت آبادی گفته بود: خانم شما صد سال زود به دنیا آمده‌اید.

از رشته‌های دیگر فعالیت زنان پیشرو، تاسیس انجمن‌های زنان و انتشار روزنامه‌های ویژه بانوان بود. زنان پیشرو از طریق این انجمنها، توده زنان را با حقوق خود آشنا می‌کردند و در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کردند. یکی از انجمنهای مشهور زنان صدر مشروطیت، انجمن عذرات وطن بود که ریاست آن را بانو آغا بیگم عیبه‌ده داشت و صدیقه دولت آبادی، دره‌المالی، ماهرخ گوهر شناس و آغا شاهزاده امین از اعضای آن بودند. دومین انجمن به ریاست خانم مریم عمید تاسیس شد. این انجمن روزنامه‌ای بنام شکوفه منتشر می‌کرد و دارای ۵۰۰۰ عضو زن بود.

روزنامه شکوفه دومین روزنامه ویژه زنان بود که در سال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۳ میلادی) منتشر شد. نخستین نشریه زنان نشریه‌ای بنام دانش بود که در سال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۰) آغاز به انتشار کرده بود. خانم دکتر کمال مدیر این روزنامه نخستین روزنامه نگار زن و اولین چشم پزشکی زن ایران بود. مجله دانش تا ۳۰ شماره انتشار یافت.

انجمن آزادی زنان (حریت نسوان)، پیش از جنگ جهانی اول با تلاش بانوان میرزا حاجی خانم، نواب سمعی، صدیقه دولت آبادی، منیره خانم، گلین خانم و دیگران در تهران تشکیل شد و هدف خود را کسب حقوق اجتماعی و سیاسی برای

پس از تشکیل نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در آذر ماه سال ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی)، انجمنی بنام "پیک سعادت نسوان" در شهر رشت به منظور مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان تشکیل شد. زنان موسس این انجمن دارای افکار کمونیستی بودند. این زنان عبارت بودند از: روشنگر نوعدوست، جمیله صدیقی، سکینه شیرنگ و اورانوس پارباب. عده زیادی از زنان روشنفکر گیلان عضو این انجمن بودند و با فعالیتهای مختلف فرهنگی سعی در رشد افکار زنان ایران کردند. جمیله صدیقی و شوکت روستا که در این فعالیتهای شرکت داشتند، بعدها در حکومت رضا شاه هر یک به ۴ سال زندان محکوم شدند. این جمعیت برای اولین بار در ایران. روز ۸ مارس را به عنوان روز بین المللی زنان پذیرفت و آن را جشن گرفت. انجمن مجله‌ای بنام "پیک سعادت نسوان" منتشر می‌کرد. این مجله، نخستین نشریه کمونیستی ویژه زنان در ایران است که صاحب امتیاز آن خانم روشنگر نوعدوست بود.

از دیگر انجمن‌های مترقی زنان، انجمن "نسوان وطن خواه" بود که در سال ۱۳۰۲ شمسی (۱۹۲۳ میلادی) به ریاست خانم محترم اسکندری تاسیس شد. اعضای این انجمن دارای افکار چپ بودند و از اعضای سرشناس آن نورالهدی منگنه، فخر آفاق پارسا، صفیه اسکندری، فخر عظمی ارغون (مادر سمین بهیانی شاعره نامدار معاصر) و مستوره افشار بودند.

"مجمع انقلاب نسوان" در سال ۱۳۰۶ میلادی به وسیله یک دختر پسر ۱۸ ساله بنام زندخت، در شهر شیراز پایه گذاشته شد. این انجمن علیه حجاب زن و در راه آزادی و برابری حقوق زنان تبلیغ و مبارزه می‌کرد و پس از چند ماه به وسیله حکومت وقت منحل شد. به دنبال تعطیل این انجمن، زندخت مجله "دختران ایران" را منتشر کرد که مجله‌ای وزین تر از سایر مجلات زنان بود. زندخت هدف انتشار مجله "دختران ایران" را در این جمله خلاصه کرد: "آرزوی مجله دختران ایران بیداری زنان است. از این مجله تنها ۷ شماره منتشر شد. زندخت نویسنده و شاعره‌ای توانا بود.

در سال ۱۲۹۹ مجله دیگری بنام "جهان زنان" توسط خانم آفاق پارسا منتشر شد. این مجله پس از ۵ شماره به دستور قوام السلطنه توقیف شد. مقاله‌ای که منجر به توقیف این مجله شد "از حالا" نام داشت. در این مقاله تاکید شده بود زنان باید خود را برای همکاری و همگامی با مردان آماده کنند. حجاب از سر بردارند و در کوچه و بازار و حجره و اداره و کارخانه و در مواقع خطر، همراه مردان باشند. بدنبال توقیف مجله "جهان زنان" خانم آفاق پارسا نیز به قم تبعید گردید.

در دوره اول حکومت رضا خان، همراه با سرکوب نهضت چپ، انجمن‌ها و مطبوعات زنان نیز با شدت بیشتری تحت پیگرد قرار گرفتند. فقط در شهر قزوین ۲۴ نفر از اعضای "انجمن فرهنگ" به زندان افتادند. در این دوره رضا خان برای جلوگیری از تشر افکار

سوسیالیستی در میان زنان به ترویج مذهب دامن زد. او خود را مرید شیخ فضل الله نوری اعلام کرد. در این دوران زنان را ترغیب می‌کردند که روزهای پنجشنبه به حجره طلاب جوان بروند و خود را به رایگان در اختیار آنها بگذارند تا حرمان جنسی مانع ادامه تحصیل دانشجویان مذهبی نشود.

وقتی رضا خان به طرف هیتلر گرایش پیدا کرد نیز از دشمنی با میازرات ترقیخواهان زنان دست بر نداشت. او به همین منظور، دومین کنگره زنان مسلمان را در سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۹۲۹) در تهران برگزار کرد. نمایندگانی از کشورهای مصر، ترکیه، افغانستان، عربستان سعودی، سوریه، لبنان، ژاپن، استرالیا و ایران در این کنفرانس شرکت داشتند. شعار اصلی کنفرانس "دین برای خدا و وطن برای همه" بود. حقوق و مقام زن نیز حول "سه تمیم" رضا خان یعنی "مادر، مطبخ، میهن" و تعلیمات هیتلری تبلیغ می‌شد. در میان ایرانیان خانم ایران ارانی (خواهر دکتر ارانی) و خانم صدیقه دولت آبادی نیز در کنار سخنگویان رسمی دولت سخنرانی کردند.

خانم دولت آبادی، از تاریخچه کنگره زنان و از وضع تحصیلات دختران سخن گفت. اما خطابه خانم ارانی از مقوله دیگری بود. در بحیوحه اختناق رضا خان و در کنگره‌ای که به نام دین و دولت برپا شده بود، خانم ارانی دلیرانه به دفاع از اندیشه‌های سوسیالیستی برخاست و نه از خدا و نه از شاه نامی نبرد. خانم ارانی در این خطابه تاریخی خود گفت: برابری حقوق زن و مرد یعنی برابر کردن حقوق اساسی ورنه، مسئله‌ای به نام زن و مرد وجود ندارد!

آتشی را که شیرزبان ایران در اوج عقب ماندگی فرهنگی، جهل، خرافات و استبداد سیاسی برافروختند، توسط فرزندان آنان نسل به نسل در نهضت سالهای ۲۰ تا ۳۲، در مبارزات زنان جان بر کف و قهرمان سالهای ۵۰ به بعد و سرانجام در مقاومت ستایش انگیز زنان ایران در برابر حکومت سیاه جمهوری اسلامی، در همه جا، در کوچه و خیابان، در زندان و پهای چوبه دار، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و اداره ادامه یافته است.

ایران در سال ۱۳۷۲

بحران مالی شدت گرفت و بازار ارز با نوسان بی سابقه ای روبرو گردید. بطوریکه طی چند هفته ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی به شدت سقوط کرد و دلار آمریکا از ۱۸۰ تومان به ۲۲۰ تومان رسید. در روزهای پایانی سال، نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد از مرز ۲۵۰ تومان گذشت. در هفته های پایانی سال دولت از ارائه ارز برای واردات از طرف بخش خصوصی خودداری کرد. پیش از آن ارائه ارز هزار دلار نیز قطع شده بود. به این ترتیب سیاست تک نرخی کردن ارزش از مدت کوتاه چند ماهه شکست خورد و سیستم چند نرخی ارز دوباره برقرار گردید.

هنوز بازار، متناثر از اوضاع بحرانی اقتصاد کشور، پشدت بی ثبات است و احتمال دارد ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی با زهم سقوط کند. دو عامل باعث سقوط ارزش ریال بودند: کاهش درآمد های نفتی و چاپ بدون پشتوانه اسکناس و تزریق آن به بازار توسط دولت. درآمدهای نفتی جزو تولید ملی است، کاهش آن در برابر حجم ثابت پول در گردش موجب تورم و کاهش ارزش پول ملی می شود. علاوه بر این سیاست چاپ اسکناس از سوی بانک مرکزی و تزریق آن به بازار جدا از نوسانات تولید ملی، یک عامل جدی در کاهش ارزش ریال بوده است. دولت برای آنکه هر طور شده کسربودجه خود را صفر نشان دهد، حدود ۲۴ درصد بودجه سال ۷۲، پول بدون پشتوانه چاپ و وارد بازار کرده است.

بحران بدهی های خارجی

در سالی که گذشت ناتوانی دولت در بازپرداخت به موقع بدهی های خارجی بحرانی را پدید آورد که برای نخستین بار در تاریخ کشور ما، موسسات مالی خارجی از گشایش اعتبار بازگانی برای ایران سر باز زدند. در یکی از گزارشات رسمی دولت درباره بدهی های خارجی آمده است: " ... بدلیل واردات بسیار زیاد طی سالهای ۶۹-۷۱ ترازیبازگانی خارجی به میزان قابل توجهی منفی شده است. استفاده از اعتبارات خارجی برای پروژه های مهم سرمایه گذاری نیز باعث پیدایش تعهدات جدید شد. جمع این دو رقم منفی، تعهدات ارزی ما را به بیش از ۳۰ میلیارد دلار افزایش داد. (ایران در چهار سال - گزارش رسمی منتشر شده از سوی دولت)

دولت در سالهای گذشته با بر آورد اینکه بدهی نفت در طول سالهای برنامہ ۵ ساله روبه افزایش خواهد گذشت (از ۱۵ دلار در سال ۶۸ تا ۲۲ دلار در سال ۷۲) دست شرکت ها و موسسات دولتی را در استفاده از قرضه های خارجی باز گذاشت. کار به جایی رسید که در سالهای ۷۰ و ۷۱ دولت به جای تخصیص ارز به بخشهای مختلف اقتصادی، بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی را ب منظور بالا بردن درآمدهای ریالی اش همانند دلار از ارز در بازار سیاه به فروش رساند و شرکتها و موسسات دولتی را تشویق به انجام معاملات یوزانس و اقساطی با کشورهای خارجی کرد.

بدین ترتیب، در مدت کوتاهی مبالغ هنگفتی بدهی خارجی روی دست دولت باقی ماند. بحران بدهی های خارجی از آنجا آغاز شد که از اواسط سال ۷۱ به این سو اثر کاهش درآمدهای نفتی، دولت از بازپرداخت به موقع بدهی های خارجی ناتوان ماند و ایران در محافل مالی بین المللی برای نخستین بار در تاریخ به عنوان کشور بد حساب و بد معامله معرفی گردید. از اواسط امسال کار به جایی رسید که دیگر هیچ کشور خارجی حاضر به معاملات اعتباری با ایران نشد.

دولت در سال ۷۲ حدود ۱۹/۵ میلیارد دلار بدهی سررسید شده داشت، که ۶ میلیارد دلار آن پرداخت شده و زمان بازپرداخت ۳ میلیارد دلار آن تمدید شده است. بنا بر این تا پایان سال ۷۲ دولت جمهوری اسلامی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بدهی معوقه دارد. در سال آینده (۷۳) نیز زمان بازپرداخت حدود ۶ میلیارد دلار بدهی دیگر فرا خواهد رسید.

با سوء شهرتی که به سبب ناتوانی دولت در بازپرداخت بدهی هایش دامنگیر دولت اسلامی شده است، نرخهای بهره اعتبارات یوزانس در خارج به درصدهای سرسام آوری رسیده است. در روزهای اخیر اعلام شد که مذاکره با دولت آلمان برای تجدید زمان بندی پرداخت ۲-۳ میلیارد از بدهی های ایران به موفقیت انجامیده است. چنین مذاکراتی با طرفهای ژاپنی و ایتالیایی در پیش است. حتی اگر دولت در تجدید زمان بندی بدهیها با موسسات مالی خارجی به توافق برسد، بهره کلان این بدهیها به کانالی تازه برای غارت کشور مردم تبدیل شده است.

شکست برنامه "تعديل" و تعویق برنامه دوم

سال ۷۲ سال پایانی برنامه ۵ ساله نخست دولت جمهوری اسلامی به ریاست هاشمی رفسنجانی بود. این برنامه که پس از پایان جنگ، ایران و عراق و در آخرین ماههای عمر خمینی تدوین شد، به طور عمده پس از مرگ خمینی و آغاز تصدی ریاست دولت توسط رفسنجانی به اجرا درآمد. عمده ترین اهداف این برنامه که نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نام گرفته بود، عبارت بودند از: راه اندازی صنایع و احیاء

بحران ورکود اقتصادی در کشورهای بزرگ صنعتی که تقاضای نفت از سوی این کشورها را کاهش داده است، افزایش تولید نفت دریای شمال که در حال حاضر به سطح بی سابقه ۵ میلیون بشکه در روز رسیده است، ورود جمهوری های دارای نفت اتحاد شوروی سابق به بازار عرضه نفت، ایجاد ذخائر استراتژیک نفت از سوی کشورهای صنعتی که هم اکنون به ۵۵ میلیارد بشکه می رسد که حدود ۲۰۰ روز ظرفیت تولید کل اعضای اوپک است، و بالاخره تلاش پاره ای از کشورهای عضو اوپک برای تولید بیش از سهمیه تعیین شده از سوی اوپک موجب شدند که بهای نفت در بازارهای جهانی پیروزه در چند ماهه آخر سال به پایین ترین سطح پس از جنگ خلیج فارس سقوط کند.

چند اجلاس وزرای نفت اوپک در سال گذشته که با هدف اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری از سقوط بهای نفت برگزار گردید، هیچیک نتوانست توافق اعضا را برای کاهش سطح تولید به منظور افزایش بهای نفت به همراه آورد. سقف بهای تعیین شده از سوی اوپک برای هر بشکه ۱۸ دلار می باشد. بنا به ارزیابی بسیاری از کارشناسان، این وضع بازار نفت در ماههای آینده نیز همچنان ادامه خواهد یافت.

کاهش بهای نفت برای اقتصاد کشوری چون ایران که همه چیز آن به دلارهای نفتی وابسته است، اثرات وخامت باری بجای گذاشت. دولت برای تأمین هزینه های خود با کسری مواجه شد و از پرداخت بدهی های خارجی خود که موعد آنها سر رسیده بود عاجز ماند. کاهش درآمدهای نفتی تمام شاخص های اقتصادی ایران را زیر تأثیر خود گرفت. رکود در فعالیتهای اقتصادی، رشد بیکاری و توقف بسیاری از پروژه های عمرانی و صنعتی، نخستین پیامدهای بحران مالی ناشی از کاهش بهای نفت برای ایران است.

سقوط ارزش ریال و شکست سیاست ارزی دولت

با آغاز سال ۷۲، دولت سیاست یک نرخی کردن ارز،

مخالف رژیم این انتخابات را نمایی ارزیابی کرده و به طوریکه آنچه آن را تحریم کردند. شرکت تنها نیمی از مردم در انتخابات کوششهای رژیم را عقیم گذاشت و عدم اعتماد به حکومت اسلامی را نشان داد.

رویداد مهم دیگر این انتخابات ضربه سختی بود که به موقعیت رفسنجانی در میان هیات حاکمه جمهوری اسلامی وارد آمد. در انتخابات دوره پیشین وی ۹۴ درصد آراء را داشت. آراء رفسنجانی نسبت به چهار سال قبل ۵ میلیون کاهش یافت و این کمترین آرای بود که کاندیدای برنده در شش دوره انتخابات ریاست جمهوری در رژیم اسلامی از آن خود کرده بود. احمد توکللی حدود ۴ میلیون رای را تصاحب کرد. با آنکه رفسنجانی کاندیدای مورد حمایت کل دستجات حاکم در رژیم اسلامی بود، اما گروه بازار - روحانیت با فرستادن توکللی به میدان، آراء رفسنجانی را شکست. اینان با آنکه بر سر انتخاب رفسنجانی توافق کرده بودند، اما نتیجه انتخابات را آنگونه نمی خواستند که رفسنجانی بدان امید بسته بود. رفسنجانی که موقعیت خود را پس از انتخابات دوره چهارم مجلس بسیار تضعیف شده یافت، بسیار مایل بود که با کسب رای بالا موقعیت خود را مجدداً تقویت کند، اما وی در دستیابی به آرزویش نا کام ماند.

ما موریت توکللی این بود که با طرح گوشه هایی از ناسامانی اوضاع و مشکلات مردم و انتقادات تند و تیز از دولت رفسنجانی در جریان مبارزات انتخاباتی، بخشی از آراء شرکت کنندگان را بسوی خود جلب کند. گروه بازار - روحانیت با اینکار هم نتوانستند آراء رفسنجانی را کاهش دهند و هم مشکلات را به پای رفسنجانی نوشته و نارضایتی ها را به سوی اوسوق دهند. آراء کم رفسنجانی اورایش از پیش زیر کنترل بازار - روحانیت قرار داد.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری آثار خود را بلافاصله در ترکیب جدید کابینه رفسنجانی بجای گذاشت. وی ناچار شد به بسیاری از خواسته ها و نظرات بازار و روحانیت در تعیین ترکیب کابینه توجه دهد و به این ترتیب وزیر امور و وزیر کابینه قبلی از جمله میسن نوربخش وزیر اقتصاد و دارای یکی از اطراف اصلی برنامه تعدیل اقتصادی رفسنجانی از کابینه جدید کنار ماندند.



عکس از محمد کوچکپور کوچکچالی

کاهش بهای نفت

و تأثیر آن در تشدید بحران اقتصادی

بهای نفت در بازارهای جهانی در سالی که گذشت به طور فاحشی کاهش یافت و نفت سبک ایران که در آغاز سال حدود ۱۷ دلار در هر بشکه به فروش می رفت در روزهای اخیر به حدود ۱۲/۵ دلار رسید. بهای فروش نفت ایران بنا به گفته خود مسئولان حکومت همواره ۲ دلار کمتر از رقم فوق است. در ماههای اخیر به گفته ناطق نوری در اثر کاهش بهای نفت، ایران روزانه ۱۵ میلیون دلار از درآمدهای خود را از دست می دهد. در بودجه سال ۷۲ درآمد حاصل از فروش نفت ۱۶ میلیارد دلار پیش بینی شده بود. اما در ۱۱ ماه نخست سال جاری درآمدهای نفتی ایران از ۱۱ میلیارد دلار تجاوز نکرد. ایران روزانه ۳/۶ میلیون بشکه نفت تولید می کند که ۱ میلیون بشکه آن به مصارف داخلی رسیده و ۲/۶ میلیون بشکه صادراتی گردید.

سال ۷۲ به پایان رسید. سالی که با نزد همین سال عمر حکومت اسلامی و پایان نخستین برنامه ۵ ساله دولت نیز بود. سالی که میبایست نتایج فعالیت ۵ ساله دولت برای بازسازی و اصلاح امور به عرصه ظهور می رسید و انطور که سران دولت و حکومت وعده داده بودند، به رونق کار، تولید، مهارت و گرانی و بهبود زندگی مردم منجر می شد و در پی اجرای سیاست تعدیل بسیاری از اهنجاریهای اقتصادی - اجتماعی دوره ده سال نخست حکومت اسلامی که به جایابی جا به وجود شرایط جنگی ارتباط داده میشد متوقف می گردید. اما نه تنها چنین نشد، بلکه سال پایانی برنامه ۵ ساله دولت به سال شکست نهایی این برنامه و به سال اوج بحران و هرج و مرج در اقتصاد کشور و به سال دسوارهای بازهم بیشتر برای مردم شوم بخت ایران مبدل شد. تورم به اوج رسید، ارزش ریال به طرز بی سابقه ای سقوط کرد، فقر و فاقه گسترش یافت، بحران ناشی از ناتوانی دولت در بازپرداخت بدهی های خارجی به اعتبار کشور لطمه زد و انباشت مشکلات اقتصادی - اجتماعی کمرب میلیونها ایرانی را خیم کرد و ناتوانی دولت در اقدامات اساسی برای رفع علل و موجبات بحران، جامعه را در آستانه انفجار قرار داد.

آنچه پیش آمد البته ناگزیر نبود و قابل پیش بینی بود. ما در آغاز سال در سرمقاله کارنوشتیم: سالی که پیش روست بنا به تمام قرائن موجود سال حداثت و شوازیهای اقتصادی خواهد بود؛ بحران اقتصادی تشدید و پیامدهای آن زندگی و معیشت مردم را با شدت هر چه بیشتری زیر فشار قرار خواهد داد. نوشتیم با توجه به وضع بازار نفت و امکان سقوط بهای آن درآمدهای ارزی پیش بینی شده برای سال ۷۲ (۱۶ میلیارد دلار) متحقق نخواهد شد و دولت از تأمین هزینه های جاری خود و بازپرداخت بدهی های خارجی عاجز خواهد ماند. "کارنوشت حداثت و بحران و مشکلات اقتصادی از یکسو و هراس حکومت از واکنش مردم در برابر تشدید فشارها از سوی دیگر، حرارت عمده سال ۷۲ را رقم خواهند زد. می توان گفت مسائل پیش گفته، مشغله عمده سیاست گذران در هیات حاکمه جمهوری اسلامی در سال ۷۲ بود.

شوخی بزرگی بود که خمینی با اقتصاد کرد وقتی گفت "اقتصاد مال خراست". خمینی هنوز نمرده بود که واقعیات سخت زندگی به وی و اطرافیان او فهماند که اگر وضع اقتصاد سرسامانی نیاید و جلوی سقوط اقتصادی کشور گرفته نشود، با پایان کار رژیم نیز گریز ناپذیر است. حال پس از ۱۵ سال عمر حکومت، سرنوشت حکومت اسلامی به همان چیزی بسته است که خمینی با آن چنان شوخی کرد. پس از ۵ سال هیا هرو و شعار درباره "بازسازی و اصلاح و رشد و توسعه" اکنون بنیادهای اقتصادی کشور به قدری متزلزل هستند که بسیاری برای عقیده اند اگر دولت نتواند برای به تعویق انداختن بازپرداخت بدهی های خارجی و اخذ اعتبارات تازه، موافقت دولتهای خارجی را فراهم کند، بحران تا آنجا گسترش می یابد که تهیه گندم از خارج برای تأمین نان مردم نیز غیر ممکن خواهد شد.

اکنون به وضوح روشن شده است آنچه که به عنوان برنامه ۵ ساله نخست دولت و با نام بر طمطراق "توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور" به اجرا درآمد، آنچنان ادغامی در بازار جهانی از طریق باز کردن درهای کشور بود که نقش ایران در آن منحصر به این باشد که فقط تولید کننده نفت باشد و در عوض همه چیز خود را از این بازار تهیه و مصرف نماید. از رهگذر این سیاستها بود که مشتی تجار و دلالان ثروتهای افسانه ای دست یافتند و در عوض، زندگی و معیشت ۳۰ میلیون ایرانی زیر خط فقر قرار گرفت.

در زیر نگاهی داریم به عمده ترین روندها و مسائل سال ۷۲ ایران:

انتخاب مجدد رفسنجانی به ریاست جمهوری

اواخر خرداد ماه امسال انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید. در این انتخابات هاشمی رفسنجانی برای بار دوم به ریاست جمهوری رژیم اسلامی برگزیده شد.

زقبای او در این انتخابات احمد توکللی از مهره های گروه رسالت، عبدالله جاسسی رئیس دانشگاه آزاد و رجبعلی ظاهری نماینده سابق مجلس بودند. ۶۳ درصد آراء شرکت کنندگان در انتخابات به رفسنجانی تعلق گرفت و ۳۶ درصد آن را رقبای وی تصاحب کردند.

اما مهمترین رویداد این انتخابات، که خود عوامل حکومت و روزنامه های وابسته به رژیم نیز به آن اعتراف کردند، عدم شرکت حدود نیمی از مردم کشور در انتخابات بود. وزارت کشور اعلام کرد از ۲۹ میلیون نفر واجدین شرایط شرکت در انتخابات تنها ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر (۵۷ درصد) به پای صندوقهای رای رفتند. اما همان موقع روزنامه سلام نوشت بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۰ تعداد واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات ۳۳ میلیون نفر هستند. به این معنا، تنها نیمی از واجدین شرایط در رای گیری شرکت کردند. حتی اگر آمار وزارت کشور ملاک قرار گیرد، هاشمی رفسنجانی تنها آراء ۳۶ درصد از ایرانیان دارای حق رای را بدست آورد. عدم استقبال مردم از شرکت در انتخابات در حالی صورت گرفت که رژیم اسلامی از ماهها قبل تمام امکانات خود را برای کساندن مردم به پای صندوقهای رای بکار گرفته بود.

حساست رژیم در کشتاندن مردم به پای صندوقهای رای از آنجا نیز ناشی می شد که احزاب و سازمانهای

درست تراست گفته شود به کنار گذاشته شد.

بحران مرجعیت پس از مرگ گلیا یگانی

با مرگ آیت الله گلیا یگانی در اوایل بهار امسال، دستگاه روحانیت با چالش‌های فراوان مواجه شد. مرجعیت و بحران ناشی از آن مواجه شد. نخستین بار پس از مرگ خمینی بود که روحانیت مرتبط با حکومت با بحران مرجعیت و تعیین مرجع جاننشین به جای خمینی مواجه شد. هر چند آیت الله اراکی پس از مرگ خمینی از سوی حکومتیان علم گردید و به عنوان مرجع مورد حمایت قرار گرفت، اما تا زمانی که گلیا یگانی زنده بود، کانون اصلی توجه به عنوان مرجع گلیا یگانی و نیز آیت الله منتظری بودند و آیت الله اراکی هیچگاه نتوانست اعتباری در حد "مراجع عظام" پیدا کند.

با مرگ گلیا یگانی روحانیون حکومتی فرصت را غنیمت شمرده و بیعت خود را برای ارتقاء به درجات بالاتر در سلسله مراتب روحانیت به آزمون گذاشتند. خامنه‌ای بیش از همه به صرافت افتاد که خود را به عنوان مرجع مطرح نماید. در این تلاش کسانی چون یزدی رئیس قوه قضاییه و ناطق نوری رئیس مجلس به یاری وی شتافتند. اما این کوششها با اعتراض روحانیونی در مشهد و قم و تهران روبرو شد که می‌گفتند انتخاب کسی به مرجعیت یا "خلع" مرجعی از مرجعیت خلاف رسم و سنت مذهب شیعه است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز اراکی را مرجع اعلام کرد. در این بحبوحه، مجلس خبرگان تشکیل جلسه داد که یکی از موارد دستور کار آن مسئله رسیدگی به خلا مرجعیت پس از مرگ گلیا یگانی بود. با آنکه مجلس خبرگان آیت الله اراکی را مورد تایید قرار داد، اما مسئله خاتمه یافته نیست و بیعت مرجعیت هنوز مشغله جدی محافل روحانیت و حکومت است. در این کشمکش‌ها با آنکه روحانیون حکومتی سعی وافر داشتند آیت اله منتظری هم چنان فراموش شده تلقی شود، اما وی همچنان مطرح است.

تحکیم موقعیت گروه بازار - روحانیت در حکومت

در سال ۷۲ موقعیت هاشمی رفسنجانی در دوران هیأت حاکمه جمهوری اسلامی با زهم تضعیف شد و گروه بازار - روحانیت که در اطراف علی خامنه‌ای گرد آمده‌اند، موقعیت و نفوذ خود را در حکومت و سیاست‌های رژیم اسلامی بیش از پیش تقویت و تحکیم بخشیدند. رفسنجانی که پس از مرگ خمینی و در آغاز اشغال پست ریاست جمهوری، قدرتمندترین فرد رژیم و مرد شماره یک نظام اسلامی بود، اکنون چنان در جنبه مجلس و روحانیت و علی خامنه‌ای و به طور کلی مجموعه بازار - روحانیت - گرفتار است که حتی آینده‌اش را نیز دیگر همین‌ها برایش تعیین می‌کنند.

علت اصلی تضعیف موقعیت رفسنجانی، شکست برنامه ۵ ساله دولت او و سیاست تعدیل اقتصادی وی بود. این شکست نارضایتی از سیاست‌های دولت را دامن زد. این وضع در سال ۷۲ با کاهش درآمدهای ارزی و بحران مالی دولت به اوج خود رسید و هر گونه امیدواری نسبت به کارایی رئیس جمهور و برنامه دولت وی را در میان مردم از بین برد.

بازار و روحانیون که در آغاز کار شریک و پشتیبان رفسنجانی در اجرای برنامه ۵ ساله وی بودند، به تدریج با بروز نشانه‌های شکست و افزایش نارضایتی‌ها از او فاصله گرفتند و در حالیکه به اشکال گوناگون کوشیدند نارضایتی‌ها را به سوی رفسنجانی و دولت او سوق دهند، موقعیت خود را در ارگانه‌های قدرت تحکیم بخشیدند. پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه امسال که سرخوردگی مردم از دولت خود را در کاهش آراء رفسنجانی نشان داد، دست روحانیت و بازار برای اعمال نفوذ در کار دولت بیش از پیش باز شد. رفسنجانی ناچار به درخواست آنها تن داده و وزیر خود را کنار گذاشت. سپس علی خامنه‌ای در نامه‌ای به دولت رئوس سیاست‌هایی که از این پس دولت باید از آن پیروی کند را تعیین کرد. آخرین اقدام در تضعیف رفسنجانی برکناری محمد هاشمی برادری از ریاست رادیتلو بیرون بود. در ماه‌های آخر سال وضع بگونه‌ای بود که مجلس در ریزترین اموری به دولت دیکته می‌کرد که چه باید بکند یا نکند.

در خارج از ایران نیز مدتهاست که دیگر اثری از "رفسنجانی میانه‌رو در مطبوعات با اظهارات مقامات غربی دیده نمی‌شود. موقعیت رفسنجانی در حاکمیت اسلامی در حال حاضر طوری است که این احتمال وجود دارد با پایان دور دوم ریاست جمهوری او پایان نقش کلیدی او در حکومت جمهوری اسلامی باشد. به نظر می‌رسد گروه نیرومند بازار - روحانیت چنین آینده‌ای را برای وی تدارک دیده است.

گروهی که اکنون وزن غالب در حاکمیت جمهوری اسلامی پیدا کرده و حرف آخر در سیاست‌گذاری‌های رژیم اسلامی را می‌زند، مجموعه‌ایست از روحانیت سنتی و نمایندگان تجار و دلالان بزرگ بازار، این گروه در سیاست‌های اقتصادی طرفدار بازگذاشتن کامل دست

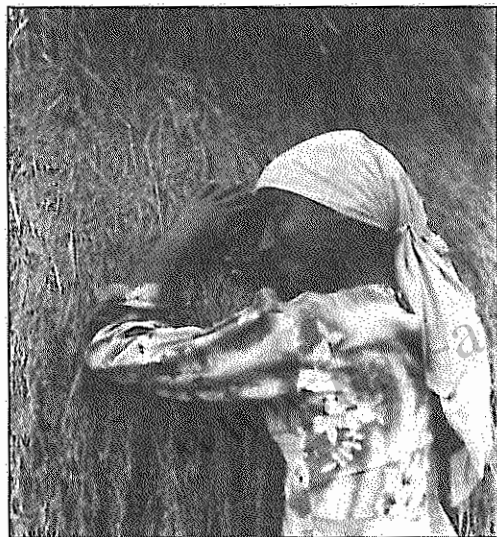
بازار و تسلط کامل آن برشرایط اقتصادی کشور است. در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی، این گروه دارای قشری ترین و محافظه کارانه ترین مواضع و نقطه نظرات است و خواهان میطره کامل "شرع" بر کلیه شئون فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه است.

ادامه تروریسم و نقض حقوق بشر

توسط رژیم اسلامی

در سالی که گذشت باز هم به شمار قربانیان تروریسم رژیم اسلامی افزوده شد. امسال علی اکبر قربانی از اعضای سازمان درفش کابوی، طاهار کرمانج از اعضای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) در ترکیه توسط گروه‌های تروریسم اسلامی به شهادت رسیدند. در پاکستان نماینده سازمان مجاهدین خلق به قتل رسید و در سوند تلاش برای قتل یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران از طریق بسته پستی حاوی مواد منفجره نافرجام ماند. با این قربانیان شمار مخالفان رژیم جمهوری اسلامی که توسط جوخه‌های مرگ رژیم تهران به قتل رسیدند به بیش از ۵۹ تن رسید.

با این همه، امسال برای رژیم اسلامی دستگاه‌های امنیتی آن که این ترورها را سازمان داده و به اجرا درآوردند، سال دشوار و رسوا کننده‌ای بود. برای نخستین بار پس از ۱۵ سال، سالی که گذشت داستان خونبار و جنایتکار رژیم اسلامی در این ترورها برای جهانیان نمایان گردید. محاکمه متهمان به ترور کتر شرفکندی و یاران او در برلین آغاز شد و کیفرخواست دادستان آلمان و اظهارات متهمان و شاهدان عینی این ترور برای جهانیان روشن ساخت که این جنایت خونین در تهران و توسط



مرحومه ژینا نهری

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی طراحی و به اجرا درآمده است. جریان این دادگاه هنوز ادامه دارد.

امسال هم چنین بیگیری پرونده قتل دکتر شاپور بختیار و دستیار او به پایان رسید و کیفرخواست دادستان پاریس

مستقیماً رژیم جمهوری اسلامی را طراح و مجری این ترور معرفی کرد. در این کیفرخواست علی فلاحیان صادرکننده فرمان قتل و تنی چند از مقامات رده بالای حکومتی نیز متهم به همکاری در تدارک این ترور هستند. هم چنین آزادی و تروریست متهم به شرکت در قتل

دکتر کاظم رجوی از سوی دولت فرانسه که در تپانی آشکار با تهران صورت گرفت موجی از اعتراض و نفرت علیه اقدام دولت فرانسه در داخل آن کشور و در مجامع بین المللی برانگیخت و برگ رسوا کننده دیگری به پرونده تروریسم رژیم اسلامی افزود.

در سالی که گذشت نقض حقوق انسانی شهروندان ایرانی توسط حکومت اسلامی همچنان ادامه یافت. بازداشت‌های خودسرانه، محاکمات فوری و مخفیانه و اعدام مخالفان همچنان رویه تغییرناپذیر حکومت اسلامی است، در حالیکه احزاب و اجتماعات از حق فعالیت قانونی محروم‌اند و فشارها بر نویسندگان و هنرمندان به اشکال گوناگون وجود دارد. در سال گذشته تضییقات علیه زنان، اقلیت‌های مذهبی تشدید یافت و شمار اعدام همچنان بالاست. بخشی از فشارها و تضییقات رژیم علیه مردم ایران در گزارش‌های سالانه مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، چون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و سازمان عفو بین الملل انعکاس یافت و حکومت ایران در قطع نامه‌هایی از سوی این مجامع محکوم گردید.

فشارهای شدید بین المللی بر رژیم اسلامی

در سالی که گذشت رژیم جمهوری اسلامی زیر فشارهای شدید بین المللی به خاطر نقض موازین بین المللی، صدور تروریسم و سایر اعمال ماجراجویانه بود. بیشترین این فشارها که در ۱۵ سال حیات حکومت اسلامی بی سابقه بود، از سوی دولت آمریکا اعمال شد.

در نخستین روزهای آغازین سال ۷۲، وزیر خارجه آمریکا در یک اظهار نظری بی سابقه رژیم جمهوری اسلامی را رژیم "قانون شکن و یاغی" خواند. یک ماه پیش از این اظهار نظر، وزارت خارجه آمریکا در یک بیانیه رسمی جمهوری اسلامی را "خطرناک ترین رژیم حامی تروریسم" معرفی کرده بود. با این اظهارات روابط تهران و واشنگتن وارد یکی از حساس ترین دوره‌های خود شد.

وزارت خارجه آمریکا وزیر خارجه آن کشور علناً اعلام کردند که دولت آمریکا رژیم جمهوری اسلامی را دشمن خود میدانند و تلاش می‌کنند این رژیم را به انزوا بکشاند. همان‌طور که روزنامه واشنگتن پست نوشت "دولت کلینتون به این نتیجه رسیده است که رهبری هردو کشور ایران و عراق تا آینده قابل پیش بینی مخالف آمریکا خواهند بود و باید گام‌های تازه‌ای برای منزوی کردن هر دو دولت برداشته شود." این روزنامه نوشت هدف سیاست تازه آمریکا که پیش از این بر تقویت یکی از دو کشور ایران و عراق علیه دیگری بود، تضمین ضعیف ماندن هر دو کشور تا زمان نامحدود است.

دولت آمریکا در فشارهای خود علیه رژیم اسلامی به تلاش‌های زیادی برای همگام ساختن اروپا و ژاپن با سیاست خود دست زد. ژاپن و آلمان و فرانسه هر چند در باره‌ای موارد از جمله جلوگیری از صدور تکنولوژی پیچیده به ایران و فشار برای لغو فتوی قتل سلمان رشدی با دولت آمریکا همگام بودند، اما کلاً سیاست متفاوت با آمریکا در برخورد با رژیم اسلامی در پیش گرفتند. آمریکا خواهان در انزوا قرار دادن تهران بود در حالی که ژاپن و آلمان و فرانسه به جای منزوی کردن، طرفدار تشویق ایران به گفتگو بودند.

با این همه دولت آمریکا فشارهای خود را به رژیم تهران افزایش داد و در منطقه نیز تا حدی از همراهی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و برخی کشورهای شمال آفریقا برخوردار بود. پس از توافق غزه با ریحامیان سازمان آزادی بخش فلسطین و دولت اسرائیل که رژیم اسلامی مخالف سرسخت آن بود، فشارهای آمریکا بر تهران شدت گرفت. کلینتون در کاخ سفید با سلمان رشدی ملاقات کرد. وزیر خارجه آن کشور برای دومین بار رژیم تهران را به یاغی گری متهم نمود و در ماه‌های آخر سال در اظهارات و حملات مقامات آمریکایی علیه جمهوری اسلامی تهدیدات نظامی نیز درجای گرفت.

چنانچه، معاون وزیر دفاع آمریکا به هنگام سفری به خاورمیانه گفت "احتمال ضربت پیش گیرنده علیه ایران منتفی نیست." و چندی پس از آن روزنامه‌های آمریکایی نوشتند که پنتاگون طرحی برای حمله به ایران که هدف آن تاسیسات نظامی و برخی مراکز استراتژیک است تهیه کرده است. علاوه بر اینها مجموعه کوشش‌هایی که هدف آن منزوی کردن رژیم اسلامی است هم چنان از سوی واشنگتن دنبال می‌شود.

اعتراضات مردمی

وقدرت گیری مبارزه ضد استبدادی

در سال ۱۷۲ اعتراضات مردمی علیه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فشارها و تضییقات رژیم و حقوق و آزادی‌های مردم در اشکال مختلف ادامه یافت. تظاهرات خونین شهزاهدان، اعتراضات پراکنده در تهران و دیگر شهرستانها در هفته‌های اخیر، نمونه‌هایی از این اعتراضات بودند. اما، قدرت گیری مبارزه ضد استبدادی علیه رژیم به شکل افزایش روحیه تعرضی مردم و تحرک چشمگیر اپوزیسیون بویژه در داخل کشور بود. محافل سیاسی در داخل کشور لحن انتقادی تری در پیش گرفته و مطالبات جدیدی را در مقابل حکومت قرار دادند. اکنون توجه به مسائل گری سیاسی و اقتصادی کشور بیش از پیش و با حساسیت ویژه‌ای از جانب محافل سیاسی، فرهنگی و روشنفکری داخل کشور دنبال می‌شود. این تحرک‌ها، به مخالفتها و اعتراضات در ایران بیش از پیش سمت و سوی روشن سیاسی و ضد استبدادی می‌دهد. در این ارتباط تحرک نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور نیز البته نه در حد مطلوب، اما افزایش یافته است. با این همه و علیرغم این جنبه‌های مثبت در مبارزات ضد استبداد ایرانیان در سال گذشته، هنوز تفرقه و پراکندگی وجه غالب است و متأسفانه روش و منش برخی از این نیروها طوری است که بصورت مانع جدی در یکی شدن مساعی همه اپوزیسیون برای اعمال فشار بر استبداد و نزدیک ساختن روز آزادی عمل می‌کند.

با اشتراک "کار" مارادریشبر دوظایفمان یاری رسانید!

نوعی سیستم جانشینی را در سازمان خود به اجرا در خواهد آورد و همان را برای تحمیل به جامعه هدف خواهد کرد.

دادور: امیدوارم که پیش بینی شما درست از آب در نیاید!

ایرانپور: متأسفانه جای چنین امیدی اندک است. و اما بپردازیم به بحث گرامی، می‌خواستم در آخر چیزی از شما بپرسم. شما بگونه‌ای استلال می‌کنید که گویی جریان‌های مشروطه خواه پیگرانه با بهره‌گیری عوام فریبانه از دین مبارزه می‌کنند و آنها تنها در پی یک سیاست جدا شده از دین و مبتنی بر دموکراسی هستند. آیا فراموش کرده‌اید که بهره‌برداری مردم فریبانه از دین و وسیله قرار دادن دین برای خفه کردن مردم و روشنفکران، خود توسط شاهان کشف شد و توسط شاهان اخیر ایران نیز به نحو کامل به اجراء گذاشته شد و توسط جنبش‌های سلطنت خواه مورد نظر شما همین امروز در حال اجراء است؟ شما طوری صحبت می‌کنید که انگار مخترع دین کمونیست‌ها بودند و غاصب دین جمهوری اسلامی است و خیر خواه دین و مردم مقام معظم شاه است. فراموش نکنید که سلطنت در ایران نه تنها کمونیست‌ها بلکه همه میلیون مخالف خود را با اتهامات دینی و بی‌تربیت دادن گناهان به لحاظ دینی هول‌انگیز زیر فشار و سرکوب می‌گرفت. به من بگویید استلال سلطنت علیه کل جنبش سوسیالیست و دموکراتیک کشور چه بوده است جز اینکه این جنبش‌ها را به عدول از دین و بی‌خیانت به کشور منتهی کند؟ فراموش نکنید که شاه راهم کمر بسته امام رضا می‌دانستید و ایشان همیشه دین را حامی خود معرفی می‌کرد و گامی هم پیش‌گذارده و قصد سازماندهی دین منطبق بر خواسته خویش را داشت. او حتی برخی از کارهای خود را به گونه‌ای همچون وحی معرفی می‌کرد. واقعیت این است که سایه خدا بودن برای ایشان کم بود و چیزی بیش از این را جویا بود و همین زیاده خواهی بیکران نیز سرانجام تیشه بر ریشه رژیم او کوبید.

پورانده‌خت: فراموش نکنید که بحث توانایی سلطنت مشروطه برای حل مسائل کشور بر توجیه کارهای شاه گذشته مبتنی نیست. او خطاهای خود را داشت و خدمات خود را. از مشروطه عدول کرد، پس مشروطه خواهی عدول از روش اوست و نه تأیید روش او. از این گذشته، فرض کنید که یک رژیم مشروطه جانشین رژیم کنونی شود و چنین رژیمی قصد داشته باشد که حداکثر آزادی‌های مستقر در یک رژیم پارلمانیستی را تأمین کند. آیا اپوزیسیون اجازه خواهد داد؟ آیا همه و صد ها هزار فعال سیاسی معتقد به اعمال خشونت و قهر و ده ها هزار چریک و تروریست و سپاه‌های بسیجی اجازه خواهند داد که مردم به آرامی انتخاب کنند و انتخاب شوند؟ آیا تصور نمی‌کنید اعمال زور برای خنثی کردن زوری که علیه دموکراسی به کار می‌افتد جبری باشد؟ آیا فکر نمی‌کنید که چنان رژیمی از حداکثر ظرفیت‌های خود و از همه اقتدار خود باید بهره گیرد تا آرامش ضروری برای جاری شدن دموکراسی را فراهم کند؟ به نظر من پاسخ روشن است. هر رژیمی ناچار خواهد شد که با اقتدار از موجودیت خود دفاع کند.

ممبئی: بحث رابه جای جالبی کشاندید. یک رژیم شاهی فرضی در آینده، به تعداد همه سازمان‌های مخالف با سلطنت مخالف و دشمن خواهد داشت. بحث این نیروها که بسیار عظیم و قول شما غالباً آماده اعمال قهر و خشونت هستند پیروزی و انتخابات نخواهد بود، بلکه تغییر رژیم را خواهند خواست. تغییر رژیم نیز با انکار قانون اساسی و این یکی با فعالیت غیر قانونی و این یکی با همه مصیبت‌هایی که هزار بار از موده شده اند همراه خواهد شد. آن رژیم نیز قطعاً برای حفظ خود، و نه برای حفظ دموکراسی، خواهد کوشید از حداکثر اقتدار خویش بهره‌مند شوند. حداکثر این اقتدار دقیقاً در وجود شاه خواهد بود. در وجود شاه آسیایی، پس شاه مشروطه یک تعارف است. شاه مورد نظر شما سراپا جوشن پوش به میدان خواهد آمد و جنگ هم بر سر تاج و تخت پیش خواهد رفت. بدین گونه تاریخ بار دیگر و این بار شاید حتی خونین‌تر تکرار شود. تاریخ نه به صورت کم‌دی بلکه به صورت یک تراژدی خونین تکرار خواهد شد. نتیجه روشن است. عصر شاهان واقعاً به پایان رسیده است و آن شاه و رژیم شاهی نیز جز آنکه خونین و مالین سنگر بگذارند چاره‌ای نخواهند داشت. این سناریویی است که شما می‌خواهید مبتنی تاریخ آفرینی شود. خونریزی و خشونت تا کی؟ چرا باید در راه‌هایی گام گذاشت که جز به غروبی خونین منتهی نمی‌شوند. ما انسان هستیم و هموطن و باید در قبال هم احساس مسئولیت کنیم. من مسئولیت خود را در این میبینم که بگویم ثابت کنم راه‌هایی سبز تری برای پیروزی این کشور می‌تواند وجود داشته باشد. جستجوی راه سبز، اگر خرد انسان دوستی جیره شود، بزرگترین مسئله‌ایست که همه نیروهای سیاسی، از راس حکومت تا قاعده جامعه در بحث و گفتگو پیرامون آن ذی‌الذبح هستند. به اعتقاد من یا کشاندن بحث به مسیر اصلی آن که بررسی ژرف سیاسی فرهنگی است بهترین توانیم وضعیت کنونی و منظره آینده را بازناسیم. از این رو، این بخش را پایان می‌دهیم و گفتگو را از آنجا که قطع شدی می‌گیریم.

ایرانپور: اصولاً چه تفاوتی بین سلطنت و خلافت و مرجعیت و پیشوایی می‌توان یافت؟ به نظر من ولایت فقیه نوع شرعی تر سلطنت و پیشوایی مجاهدین نوع عرفی تر ولایت فقیه است و اگر اندکی پیش برویم و مجاهدین همین راه را ادامه دهند آنها قطعاً نوع آشکارتری از سیستم پیشوایی را که جز نام متفاوتی با ولایت فقیه نخواهد داشت در سازمان خودشان پیاده خواهند کرد. و من امروز اعلام می‌کنم که رجوع سرانجام اگر حادثه‌ای وی را به خود نیاورد و از این راه برنگرداند آشکارا و با زبانی که احقرترین موجودات هم از آن سردر بیابند و خواهد گفت که او با نیروهای ما و راه‌الطبیعه رابطه دارد و جز او کسی نمی‌تواند پیشوای دین و مرجع تقلید باشد و جز حکومت فردی او که با واسطه گروهش باید پیش برود هیچ نظامی شایسته ایران نخواهد بود و در آخر

بار دیگر از باورها

گفتگو واره‌ای درباره اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و فرهنگی

درباره شاه و سلطنت

تنظیم از: امیر ممبئی

شما مثل همه جریان‌های متجدد، خواهان جدایی دین از سیاست است، در حالی که جریان‌هایی که بر شمردید، برای بهره‌گیری از قدرت دین در سیاست ناچارند دین را با سیاست گره بزنند، و این یعنی بدبختی، برای همه و برای خودشان نیز.

ممبئی: جریان‌های مورد نظر هم می‌توانند به همین گونه استلال کنند و بگویند: امروزه جریان‌هایی که دین را با سیاست گره می‌زنند، دست کم در تئوری، با دیگر جریان‌های مترقی بر سر نفعی جایگاه شاه در جامعه و در تاریخ آینده موافقت دارند!

پورانده‌خت: جدا کردن دین از سیاست، یا جدا کردن شاه از جامعه و تاریخ، کدامیک امروز نیاز ماست؟ کدامیک امروز شرط بهبود وضع جامعه ماست؟

دادور: شما چرا ما را در برابر دو مشکل سترگ قرار می‌دهید، در حالی که یکی از آن مشکل‌ها قبلاً حل شده است؟ فراموش نکنید که شما اکنون از بیرون تاریخ حرف می‌زنید، چون قبلاً شاه از جامعه و تاریخ بیرون شده است، در بهمن ماه سال ۱۳۵۷. آخرین چه کمکی است که شما می‌خواهید به کشور بکنید؟ چرا مردم باید پس از قانع کردن تاریخ به جدا کردن مجدد سیاست از دین خود را در برابر همان مشکل چند هزار ساله اولی قرار دهند و تاریخ را بر گردانند به روزگار حاکمیت نژادها؟

ممبئی: نیرویی که شما در شیخ بسجگر شاه می‌بینید عمدتاً نیرویی است که از ناآگاهی و نومییدی سرچشمه می‌گیرد. ناآگاهی توده‌های مردم از دانش هدایت جامعه که سیاست من می‌گویند، ناآگاهی آنان نسبت به روش‌های دموکراتیک و نظام‌های دموکراتیک سیاسی و تجربه نشدن دموکراسی و حاکمیت واقعی مردم توسط آنها. بیسوادی، نبود آموزش‌های سیاسی و خرافات باستانی ریشه دوانده در زرفای روانشناسی این مردم سرچشمه نخست‌گرایش آنان به اتوریته‌های تاریخی و اشیای حی از آنگونه که شما توصیف کردید، است. این ناآگاهی و نادانی آبخور ویژه نیروهایی است که سیاست را علم الغلبه می‌شاسند و وسیله راه‌زهر گونه که باشد مجاز نومیذی، دیگر عامل بزرگ گرایش مردم به توهم و طلسم است. هنگامی که نومیذی بر انسان غلبه می‌کند حالت عادی روانی او به هم می‌خورد و نوعی عدم تعادل روانی- رفتاری می‌تواند بروز کند. در چنین حالتی، هم یک فرد و هم یک ملت می‌توانند واکنش‌هایی بسیار رشکنت و زیان‌ آور از خود بروز دهند. به کشورهای پیش از این سوسیالیستی بنگرید. شکست و نومیذی مردم را می‌کشاند به سوی خورد کردن یکدیگر. به سوی جنگ‌خواهی‌های نومیذانه، به سوی طرفداری از حزب‌های مافوق راست و مادون چپ و به سوی راه‌حل‌های عجیب تری همچون گرایش به تزارها و سنت قزاقی‌گری در روسیه. علل گرایش بسیاری از روس‌ها به جریان‌های راست افراطی و بان اسلاویسم و تزاریسیم نیز دقیقاً از ناآگاهی مردم و نومیذی آنها پس از فروپاشی شوروی سرچشمه می‌گیرد.

جانشین شدن عقاب احمقانه دوسر در جای داس و چکش بر پرچم روسها کیفیت واکنش مردم را در برابر شکست نشان می‌دهد. هیچ گام به پیش، دو گام به پس! در همه کشورهای پیش از این سوسیالیستی احزاب مشغول علم کردن همین توهم‌ها و اشیای تاریخی هستند که ریشه در خرافات مردم دارند. پس، شما گمان نکنید که تنها در ایران و بدلیل خدمات نظام شاه گرایش در مردم بسوی آن نظام پیدا شده است. شما در همه

شما مثل همه جریان‌های متجدد، خواهان جدایی دین از سیاست است، در حالی که جریان‌هایی که بر شمردید، برای بهره‌گیری از قدرت دین در سیاست ناچارند دین را با سیاست گره بزنند، و این یعنی بدبختی، برای همه و برای خودشان نیز.

ممبئی: جریان‌های مورد نظر هم می‌توانند به همین گونه استلال کنند و بگویند: امروزه جریان‌هایی که دین را با سیاست گره می‌زنند، دست کم در تئوری، با دیگر جریان‌های مترقی بر سر نفعی جایگاه شاه در جامعه و در تاریخ آینده موافقت دارند!

پورانده‌خت: جدا کردن دین از سیاست، یا جدا کردن شاه از جامعه و تاریخ، کدامیک امروز نیاز ماست؟ کدامیک امروز شرط بهبود وضع جامعه ماست؟

دادور: شما چرا ما را در برابر دو مشکل سترگ قرار می‌دهید، در حالی که یکی از آن مشکل‌ها قبلاً حل شده است؟ فراموش نکنید که شما اکنون از بیرون تاریخ حرف می‌زنید، چون قبلاً شاه از جامعه و تاریخ بیرون شده است، در بهمن ماه سال ۱۳۵۷. آخرین چه کمکی است که شما می‌خواهید به کشور بکنید؟ چرا مردم باید پس از قانع کردن تاریخ به جدا کردن مجدد سیاست از دین خود را در برابر همان مشکل چند هزار ساله اولی قرار دهند و تاریخ را بر گردانند به روزگار حاکمیت نژادها؟

ممبئی: نیرویی که شما در شیخ بسجگر شاه می‌بینید عمدتاً نیرویی است که از ناآگاهی و نومیذی سرچشمه می‌گیرد. ناآگاهی توده‌های مردم از دانش هدایت جامعه که سیاست من می‌گویند، ناآگاهی آنان نسبت به روش‌های دموکراتیک و نظام‌های دموکراتیک سیاسی و تجربه نشدن دموکراسی و حاکمیت واقعی مردم توسط آنها. بیسوادی، نبود آموزش‌های سیاسی و خرافات باستانی ریشه دوانده در زرفای روانشناسی این مردم سرچشمه نخست‌گرایش آنان به اتوریته‌های تاریخی و اشیای حی از آنگونه که شما توصیف کردید، است. این ناآگاهی و نادانی آبخور ویژه نیروهایی است که سیاست را علم الغلبه می‌شاسند و وسیله راه‌زهر گونه که باشد مجاز نومیذی، دیگر عامل بزرگ گرایش مردم به توهم و طلسم است. هنگامی که نومیذی بر انسان غلبه می‌کند حالت عادی روانی او به هم می‌خورد و نوعی عدم تعادل روانی- رفتاری می‌تواند بروز کند. در چنین حالتی، هم یک فرد و هم یک ملت می‌توانند واکنش‌هایی بسیار رشکنت و زیان‌ آور از خود بروز دهند. به کشورهای پیش از این سوسیالیستی بنگرید. شکست و نومیذی مردم را می‌کشاند به سوی خورد کردن یکدیگر. به سوی جنگ‌خواهی‌های نومیذانه، به سوی طرفداری از حزب‌های مافوق راست و مادون چپ و به سوی راه‌حل‌های عجیب تری همچون گرایش به تزارها و سنت قزاقی‌گری در روسیه. علل گرایش بسیاری از روس‌ها به جریان‌های راست افراطی و بان اسلاویسم و تزاریسیم نیز دقیقاً از ناآگاهی مردم و نومیذی آنها پس از فروپاشی شوروی سرچشمه می‌گیرد.

جانشین شدن عقاب احمقانه دوسر در جای داس و چکش بر پرچم روسها کیفیت واکنش مردم را در برابر شکست نشان می‌دهد. هیچ گام به پیش، دو گام به پس! در همه کشورهای پیش از این سوسیالیستی احزاب مشغول علم کردن همین توهم‌ها و اشیای تاریخی هستند که ریشه در خرافات مردم دارند. پس، شما گمان نکنید که تنها در ایران و بدلیل خدمات نظام شاه گرایش در مردم بسوی آن نظام پیدا شده است. شما در همه

پورانده‌خت: درست است که در راستای آنچه گفته شد، در جایی از گفتگو به بررسی نهاد و نمود سیاست بپردازیم، و موافق هستم آن چنانکه می‌خواهید گفتگو را هر چه زودتر به زرفا و بر آن راستاهای بنیادینی که در آغاز نشانه کردیم بکشانیم، با این همه، قضاوت بی‌طرفانه یک ناظر فرضی بر بحث ما پیرامون شاه و سلطنت نیازمند کلامی چند در نکاتی چند است.

نخست لازم است که شما به همه آنچه من پرسیدم پاسخ بگویید و نه به بخشی از آنها. من از یک شیخ صحبت کردم، یک شیخ هزار ساله، با اتوریته و اقتداری کم مانند در زرفای روان توده‌ها. من از توان تاریخی یک پدیده، پدیده شاه، یا جنبش سلطنت خواه صحبت کردم. پاسختان چیست؟ آیا اگر حاکمیت یک جریان سیاسی را (یعنی میزان نفوذ مردمی و امکان غلبه آن جریان را) با کیفیت آن جریان (یعنی میزان پیشرفتگی و انطباق آن جریان با نیازهای مردم و جامعه) جمع کنیم و میانگین بدست بیاوریم آنگاه بدین نتیجه نخواهیم رسید که میانگین یا معدل جنبش سلطنت خواه از دیگر جریان‌های موسوم به اپوزیسیون بیشتر است؟ اگر شما این نتیجه را بپذیرید چه موضعی خواهید گرفت؟ نخواهید گفت که گنجشک در دست بهتر از صد گنجشک در هواست، یا خود با مشت خالی دنبال همان گنجشک‌های در هوا خواهید رفت؟

دادور: تنها شما نیستید که می‌کوشید از چنین امکانی بهره‌بگیرید. چرا نیروهای درون حاکمیت بر سر تملک مردم پسند ترین و بی‌انگیزنده ترین برداشت از اسلام با هم می‌ستیزند؟ چرا مجاهدین شیدای مسلمان می‌خواهند دشمن خونخوار رژیم اسلامی باشند و چرا آقای منتظری، کسی که خود از مبلغین و هواخواهان آیت‌الله خمینی بوده است با تکیه بر اسلام باوری در گری می‌شود؟ این همه نشان می‌دهد که اتوریته و اقتدار چندین هزار ساله دین و حرمت عظیم اسلام در جامعه وسیله بهره‌برداری سیاستمداران و جریان‌های مختلف سیاسی می‌شود. این نیروهای سیاسی از قدرت عظیم اسلام در جامعه ایرانی آگاهند و از فن توده‌گیر کردن اندیشه‌های سیاسی خود به کمک پیوند دادن این اندیشه‌ها به مذهب مردم به اندازه کافی بهره‌مندند. آنها حتی سخیف ترین سخنان خود را گاهی همچون کلمات آسمانی بر سر مردم نازل میکنند و مردم را بر سر دوراهی می‌گذارند که یا اسلام را حفظ کن، یعنی حرف‌های آنان را بیاور کن، و یا حرف‌های آنها را انکار کن و یک راست به زرفای جهنم پرتاب شو. مردم زحمت کش ایران اسلام را همچون دین داد و رحم و مروت و تعاون پذیرفتند و عمرها همین‌گونه آن را به وجدان خود تبدیل کردند. نزد توده‌های مستعبد اسلام دعای خیری بود که به آنها و به همسایگان و همکشوران و همکیشان و همسایگان آنان در بدترین شرایط می‌بایست باری برسانند و به آنها دل‌داری بدهد. نفرین، اگر چه استعمال می‌شد، اما هرگز کار ستوده‌ای تلقی نمی‌شد. نفرین چون زاده خشم و کین است از نظر مردم ترس آفرین و کاربرد آن نادرست یا ناشایست تلقی می‌شود. اما، اسلامی که توسط جریان‌های سیاسی معرفی می‌شود بر نفرین متکی است، بر لعنت این و آن. چرا؟ چون یک جریان سیاسی از این گونه موجودیت خود را در خط و مرز کشیدن یا دیگران می‌داند. و آشکارا است که آن طرف خطی‌ها از نظر یک انسان افراطی غیر خودی هستند، و غیر خودی‌ها مخالفین و مخالفین متخاصمین و اینان مستحق همه لعنت‌های خدا و درخور همه کفرهای هولناک. آیا این درست است که جریان‌های سیاسی برای پیشبرد کار خود دین مردم را به وسیله سیاسی تبدیل کنند؟

پورانده‌خت: من می‌توانم با شما موافق باشم. وسیله قراردادن دین خود سر راست ترین اهانت به دین است، و آشکارترین دلیل بر بی‌باوری مدعی‌ها به آن.

دادور: رطب خورده و منع رطب؟ پورانده‌خت: ما از دین رطب نخورده‌ایم!

دادور: یعنی شما می‌گویید بین اتوریته‌های قدیم و قدرتمند مردم گیر تنها توسل به شیخ شاه حق است و دیگران اگر اتوریته دیگری رابه کمک گرفتند کار باطلی میکنند؟

پورانده‌خت: قوانین سیاست همانند قوانین فیزیک و شیمی عمل نمی‌کنند. چگونگی عملکرد این قوانین به عامل اجراء آنها، یعنی به انسان‌ها، یعنی به من و شما و به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بستگی می‌یابد. ما می‌توانیم تشخیص دهیم که امروزه جریان شاه جو به قول

۱- مقالات روح شده در صفحات 'دیدگاهها' پیاپی نظر برات نویسنده‌گان آنهاست که برای اطلاع خوانندگان نشریه از دیدگاه‌های مختلف روح می‌شود و هیچ 'کار حساب نمی‌آید'.
۲- جنبش تحریریه: کار از نویسنده‌گان مقالات برای صفحات 'دیدگاهها' درخواست می‌کند که مطلب خود را بگونه‌ای تنظیم کنند که حجم آن بیش از یک صفحه نشریه نگردد.
۳- نشریه کار و خلاقانه گروه مقالات و نامه‌های ریالی می‌باشد.

روز جهانی کره زمین

دو سال پیش سازمان ملل متحد، روزیست مارس یعنی روز اول بهار و مصادف با نوروز ما را "روز جهانی کره زمین" اعلام نمود. در دوران معاصر تخریب و نابودی طبیعت از رهگذر رشد صنایع و استفاده های نابخردانه، انسان را بیش از پیش نسبت به حفظ زیستبوم و منابع حیاتی خویش حساس ساخته است. راست این است که انسان هم به لحاظ آرامش روحی و عاطفی، هم به خاطر نیازهای تنفسی و هم به جهت تامین مایحتاج اساسی خویش، سخت به زمین و زیستبوم پیرامونش وابسته است. برترین پیشرفت های علمی و تکنولوژیک نیز نمی تواند این وابستگی را در همه ابعادش محو کند. از این رو انسان با هر آسبیبی به زیستبوم و طبیعت پیرامونش در اصل پایه های هستی خویش را می فرساید.

در ایران ما اما آگاهی به اهمیت محیط زیست در سطح نازل است و از این رو نابودی و فرسوده سازی آن بی وقفه ادامه دارد. در این زمینه فقر، بیسوادی، جنگ و بی توجهی حکومت ها به حفظ طبیعت و ارتقاء رشد آگاهی مردم بیشترین نقش را بازی میکنند. بویژه در دوران تسلط رژیم اسلامی بر کشور که رشد جمعیت و فقر ابعاد هراس انگیزی یافته، محیط زیست نیز در معرض تجاوز و تخریب بیشتری قرار گرفته است. نابودی بخش بزرگی از مناطق جنگلی ایران، فرسایش چشمگیر خاک و سترون شدن آن، تخریب مراتع و کویرزایی کم سابقه، آلودگی بیشتر هوای شهرها و... از پیامدهای این روند بوده اند.

دکتر علی حسوری، باستانشناس و پژوهنده پرکار میهن مان در مقاله زیر (که در دو شماره "کار" درج خواهد شد) جنبه هایی از تخریب محیط زیست ایران، بویژه در سالهای اخیر را مورد بررسی قرار می دهد. این مقاله را از شماره سیزدهم (دیماه ۱۳۷۲) ماهنامه "جامعه سالم" برگرفته ایم.

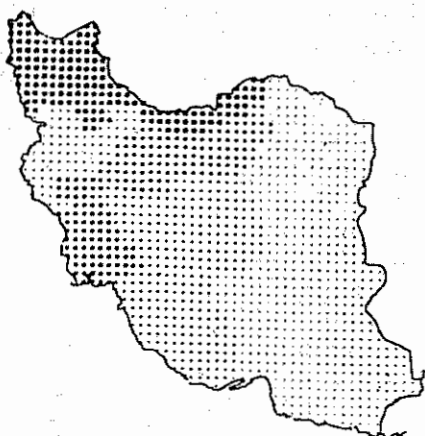
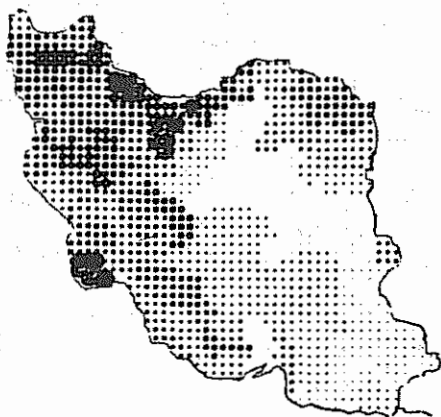
زمزمه های شبانه

شبانه
بر سینه ات سرمی نهم
تا آهنگ های گم شده را بلکه بشنوم
- ای زمین!
چهره های گوارا
گلپای سخن پرداز
و بذرهای مست در تو اند.
وقتی بمیرم
در شبم اشکها می شویند م
و به زهدان توام بازمی سپرند
و از اینگونه
شعراندها
ایراندیشه ها
و رازهای مه آلود در تو اند.
سلسله نیکان
بذر کودکان
و آواز پرندگان در تو اند
از این روی
بر سینه ات سرمی نهم
تا ابدیت حیات را بلکه بشنوم
- ای زمین!

میرزا آقا عسگری

چنگالی جمعیت در ۱۹۵۶ میلادی.

چنگالی جمعیت در ۱۸۶۹ میلادی (بر گرفته از فردی بمون، شهرهای ایران، پاریس ۱۹۶۹، همچنین نگاه کنید به تاریخ ایران کمبریج، جلد ۱، صفحه ۳۶۹).



محیط زیست ایران

بر گرفته از: ماهنامه جامعه سالم، دیماه ۱۳۷۲

دکتر علی حسوری

زمین بستر زندگی زندگان است. موجودات زنده با هم و وابسته به هم زندگی می کنند. زندگی مستقل برای هیچ نوع موجود زنده ای متصور نیست. بویژه انسان از پیدایش تاکنون از انواع گیاهان و جانوران برای بر آورد نیازهای خود استفاده کرده است. با وجود ساختن فولاد، کالوچو، پلاستیک، الیاف مصنوعی و بسیاری چیزهای دیگر، نیاز انسان به طبیعت همچنان و بلکه بیشتر، به حال خود باقی است. روز به روز اثر زیانبار کودهای شیمیایی و مخصوصاً سموم دفع آفات بیشتر فهمیده می شود و این بدانجا خواهد انجامید که انسان بار دیگر به این نتیجه برسد که با طبیعت نباید مبارزه یا آن را تحریک کرد. انسان باید با طبیعت همزیستی کند. در این زمینه در جهان سخنان فراوانی گفته شده، اما بگذرایم به سخنان نویسنده ای هم گوش بدهیم که قبلاً دامپزشک بوده و جهان را با دید خاص خود می نگرد:

«مسئله تنها حفظ محیط زیست طبیعی در برابر بهره برداری های نابخردانه بشر از طبیعت نیست. درک این مطلب که شیوه برخورد بشر با طبیعت، ناگزیر در شیوه برخورد انسان ها با یکدیگر تاثیر می گذارد نیز دارای اهمیت است. ما در اوج حملات و تهاجم پیرامون ما به طبیعت و غلبه بر آن، پیروزی های خود را، پیروزی هایی که بر ایمان پس گران تمام شده است، یکی پس از دیگری جشن گرفته ایم غافل از آن که در این عرصه، بشر غالب در حقیقت بشر مغلوب است و زیان و خسارت ما باید نه تنها با در نظر گرفتن میزان پائین رفتن سطح آب رودخانه ها، یا اندازه نابودی جنگل ها، یا درصد مواد زائد و زاینده بخشی که در جو زمین پراکنده می شود بلکه همچنین با توجه به خطر از دست دادن چیزی در خودمان که برای آرامش و آسایش روحی مان دارای اهمیت است، محاسبه شود».

به این ترتیب داستان تنها این نیست که با مرگ جنگل ها چوب یا هوای سالم نخواهیم داشت، رفتار انسان با طبیعت در رفتار او با خود هم مؤثر است. این قصه سر دراز دارد و بازیابی جوانب مختلف داستان محیط زیست از حوصله این مقاله بیرون است. هدف، توجه دادن به تحولات زیست محیطی در ایران است که به وضعیت موجود در کشور ما انجامیده، وضعی که اندک اندک خطرناک می شود.

ایران در یکی از مناطق نسبتاً کم باران جهان واقع شده است. جز در گیلان و مازندران، بارندگی کافی برای رفع نیازهای خود نداریم و به همین دلیل است که یا از زمین های محدود آبی استفاده می کنیم یا با استفاده از کشت «دیمی» که نامش بر سر خود

وضع زمین، مخصوصاً جنگلهای غرب ایران داریم. بر طبق یکی از این گزارش ها که به چند شکل تکرار شده است، فاصله شوش در خوزستان امروز تا تخت جمشید، جنگل بوده است. هم اکنون بخش وسیع ولی تُنکی از این جنگل وجود دارد اما در غرب کهگیلویه و بویراحمدی تا شوش و از شرق آن تا دره رود کر در فارس و بالاخره از تخت جمشید تا حدود سد درودزن همه جنگل از میان رفته و در جاهای دیگر بسیار تُنک شده است. در کتیبه هایی که به مناسبت ساختمان تخت جمشید نگاشته شده، صحبت از درخت هایی در ایران می رود که مثلاً از یک نوع آن تنها درخت های پراکنده و کوچکی در حوالی بندرعباس باقی است و آن ها هم قابل ساختمان سازی در مقیاس تخت جمشید نیست.

اطلاعات ما از وضع زیست محیطی ایران در برخی از دوره های تاریخی، مثل دوره اشکانی تقریباً هیچ و در دوره های دیگری، مثل دوره ساسانی بسیار اندک است، اما راه های غیر مستقیم برای به دست آوردن معلوماتی هست که شرح آنها از حوصله چنین مقاله ای بیرون است. روی هم رفته وضع ایران تا قرن های اولیه دوره اسلامی چندان تغییر مهمی نکرده بود زیرا اولاً جمعیت ایران بسیار اندک بود، ثانیاً ادیان ایران پیش از اسلام، هر گونه آسیب رساندن به طبیعت، قطع بی مورد درخت، آلودن آب و خاک، مخصوصاً آلودن آب جاری و شست و شو در آن را منع می کرد و این کارها را از گناهان بزرگ می شمرد. در آن دین ها حتی جسد انسان را در خاک دفن نمی کردند تا خاک آلوده نشود. برج هایی وجود داشت که جسد را در آن می گذاشتند و پرنندگان اطراف برج در چند ساعت ذره ای از بدن (جز استخوان ها) را باقی نمی گذاشتند. پس از این که استخوانها هم در معرض آفتاب کاملاً خشک می شد، آنها را به محفظه هایی، اغلب سفالین، منتقل می کردند.

با ظهور اسلام و شهرت یافتن ثروت های ایران، نخست مهاجرت غیر ایرانیان، مثل عرب ها، ترکان و... به ایران آغاز شد و دیگر این که به علت رواج سوداگری که مورد علاقه تازه به قدرت رسیدگان بود، دو تغییر مهم، اما البته با کندی در ایران صورت گرفت. تغییر اول زیاد شدن جمعیت بود به حدی که در چند قرن اول هجری، شهرنشینی ایران را دچار تحولات شگفت آور کرد، نوشته اند

که نیشابور در حمله مغول در حدود یک میلیون و دوست هزار نفر جمعیت داشته است. رساندن آب سالم و دیگر نیازهای مردم با وسائل ابتدائی آن روز و حل مسئله فاضلاب، حمل و نقل و ساخت و ساز، نیروی بزرگی را صرف خود می کرده است. تغییر دوم رونق تجارت و گسترش روابط تجاری با شرق و غرب بود که جاده ابریشم از یادگارهای آن است. این خود به بزرگ شدن شهرها، گسترش راهها، فراوان تر شدن کاروانها، نگهبانان راه ها و مأموران دولتی می افزود که نتیجه همه آنها از بین رفتن

جنگل های مجاور شهرها و استفاده شدیدتر از منابع طبیعی بود.

با همه این وضع ایران تا دوره مغول تغییر مهمی نکرده بود. در آثار جغرافیایی چند قرن اول هجری از آب های فراوان و نقاط سرسبز وسیع ایران سخن می رود، از دریاچه ای که در فارس وجود داشته و در بهار سرریز آن به خلیج فارس می ریخته است از درختان جنگلی و میوه که فاصله بین شیراز تا بوشهر را می شد در سایه آنها پیمود و مطالب دیگر. تغییرات مهم محیط در ایران، حتی نتیجه کارهای مغولان، تیمور و دیگر حوادث ویرانگر نبود، گو این که به دلیل همین ازدیاد جمعیت، بهره گیری از محیط ایران شدت می یافت. این روشن است که با آمدن قبائل ترک دامدار و استقرار آنها در ایران (مثل قشقایی ها در فارس و افشارها در کرمان) بخش مهمی از مراتع ایران فقیرتر می شد و بخشی از جنگل ها از بین می رفت؛ اما تغییرات اساسی از دوره نفوذ خارجی در ایران و مخصوصاً ازدیاد جمعیت و بهره گیری غلط و دائم التزاید از طبیعت آغاز شده است.

به علت استفاده شدید از گیاهان مناطق خشک، اندک اندک کویرهای ایران گسترش یافت و بکلی از گیاه خالی شد. این آشکار است که بخش مهمی از کویرهای ایران زائیده صدسال اخیر است. در حاشیه کویرهای فعلی و حتی تا عمق زیادی در آنها آثار تمدن به دست می آید. مهندس حاکمی، یکی از باستانشناسان ایران هنگامی که در شرق کویر لوت در گوری که در نتیجه سیل پیدا شده بود حفاری می کرد، ریشه درخت یافت در حالی که تا نزدیکترین مجموعه درخت در حدود ۶۰ کیلومتر فاصله وجود داشت. بخش بزرگی از درختان تاغ شرق ایران در صد سال اخیر از بین رفته است و این را پیران منطقه حکایت می کنند. تغییر چنگالی جمعیت ایران در فاصله تقریبی نود سال (از ۱۲۴۸ خورشیدی/۱۸۶۹ میلادی تا ۱۳۳۸/۱۹۵۶) که در تصویر ملاحظه می شود، ۸ نشانه گسترش کویر ایران در صد و بیست و پنج سال گذشته و مهاجرت جمعیت از نقاط کویری دقیقاً به نقاط پر آب تر، مثل گیلان و مازندران، غرب و خوزستان است. حتی در شرق ایران که آب کمتری نسبت به غرب دارد، مهاجرت به مناطق پر آب بوده به طوری که جمعیت حوزه هیرمند در سیستان تقریباً چهار برابر شده است.

در دو جنگ جهانی قدرتی های جهانی ثروت های ما را تاراج می کردند. آنان برای جلوگیری از دسترسی رقیب، بسیاری از دارائی های مردم، حتی گاو و گوسفند را آتش زده اند. بریدن درختها و حمل آنها برای استفاده در جنگ و درآمد اندکی که از این راه عاید مردم بومی می شده و گاه آتش زدن جنگل به منظور تهیه آسان زغال از عوامل نابودی محیط زیست در کشور ما بوده است. در همین احوال خود ایرانیان هم به علت ازدیاد جمعیت و هم برای دسترسی به ثروت و زمین، جنگل ها را ویران کردند.

اخبار کوتاه از سراسر جهان

سازمان ملل خواهان گشودن راه کابل شد

سازمان ملل در نامه‌ای به گلبدین حکمت یار نخست وزیر افغانستان، خواهان آن شد که نیروهای حکمت یار، به محاصره کابل خاتمه دهند تا کاروان حامل مواد غذایی، بتواند وارد این شهر شود. طبق برآوردهای کارشناسان سازمان ملل، حدود ۸۰ هزار نفر از اهالی کابل را خطر مرگ بر اثر گرسنگی تهدید می‌کند. نیروهای حکمت یار اعلام آمادگی کرده‌اند که امکان دهند ۹۰ تن مواد غذایی در محلاتی از کابل که تحت کنترل نیروهای وفادار به برهان الدین ربانی رئیس جمهور و احمد شاه مسعود وزیر دفاع افغانستان نیست، توزیع شود. این کاروان حامل کمکهای غذایی، در بیست کیلومتری کابل متوقف مانده است. یک سخنگوی حکمت یار اعلام کرد محاصره کابل بطور "آزمایشی" لغو خواهد شد تا مواد غذایی فقط در محلات تحت کنترل حزب اسلامی و واحدهای عبدالرشید دوستم پخش شود.

ملینا مکروری در گذشت

ملینا مکروری، هنرپیشه و خواننده مشهور یونانی و وزیر فرهنگ این کشور، در سن ۶۸ سالگی بر اثر سرطان درگذشت. در دوره حکومت سرنگ ها در یونان، ملینا مکروری علیه این دیکتاتوری مبارزه کرد. وی که عضو حزب سوسیالیست بود، در دوره نخست زمامداری آندرناس با پاندرن در دهه هشتاد عهده دار وزارت فرهنگ شد و از سال گذشته که سوسیالیست ها بار دیگر در انتخابات برنده شدند، همین مقام را بر عهده گرفت. در مراسم تشییع جنازه ملینا مکروری در آتن، یک میلیون نفر شرکت کردند.

فراخوان ناراضیان چینی

همزمان با آغاز اجلاس سالانه کنگره خلق چین، هفت نفر از نویسندگان و استادان دانشگاه در چین طی نامه سرگشاده‌ای به جیانگزه مین رهبر حزب و دولت چین خواهان رعایت حقوق بشر در چین و آزادی همه زندانیان سیاسی شدند. در این نامه آمده است: "ما دولت را فرامی‌خوانیم به سنت هزاران ساله چین در مجازات انسان‌ها به خاطر عقاید، بیانات یا نوشته‌هایشان پایان دهند و همه زندانیان عقیدتی را آزاد کنند. تنها وقتی که به حقوق بشر احترام گذاشته شود و همه حقوق شهروندی تضمین گردد، ثبات واقعی اجتماعی قابل تحقق است."

فهد از ملاقات با ملک حسین خودداری کرد

ملک فهد پادشاه عربستان سعودی، در یک اقدام بیسابقه، از ملاقات با ملک حسین پادشاه اردن که برای حج عمره به عربستان رفته بود، خودداری کرد. سفر ملک حسین به عربستان حدود ۱۲ ساعت بیشتر به طول نیانجامید. با اینکه از هشت روز قبل از سفر ملک حسین و همراهان عالی‌رتبه اش به مکه، یک هیأت نمایندگی اردنی کوشیده بود در ریاض زمینه ملاقات سران دو کشور را فراهم کند، دربار عربستان تا آخرین لحظه از دادن جواب مثبت یا منفی سرباز زد، و در نتیجه ملک حسین بدون اطمینان از او کنش فهد، به عربستان رفت. ملک حسین امیدوار بود او نیز مانند یاسر عرفات که دو ماه پیش به بهانه حج عمره به عربستان رفت و توسط فهد پذیرفته شد، با پادشاه عربستان ملاقات کند و فهد، از سر تقصیرات "اودر حمایت از صدام حسین در جنگ کویت بگذرد. اما چنین نشد. ناظران این احتمال را منتفی نمی‌دانند که فهد به اشاره واشنگتن از پذیرفتن ملک حسین خودداری کرده است تا به ملک حسین برای دادن امتیاز به اسرائیل در مذاکرات صلح فشار وارد آورد.

انتخابات در قزاقستان

در انتخابات پارلمانی قزاقستان، نمایندگان طرفدار نورسلطان نظربایف رئیس جمهور این کشور اکثریت کرسی‌ها را بدست آوردند. حزب روس‌های مقیم قزاقستان، اعلام کرد که انتخابات قزاقستان، تا عا دلانه نبوده است و خواهان لغو انتخابات در حوزه‌هایی شد که رای گیری در آنها مخدوش بوده است. این حزب خاطر نشان کرده است که در برخی از حوزه‌ها، ما موران رای گیری را سب پر کردن اوراق انتخاباتی می‌پراختند. اتهامات مشابهی از سوی یک هیأت ناظران کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که در قزاقستان حضور داشت، ابراز شده است.

عقب نشینی دولت مکزیک در برابر سرخپوستان

سه ماه پس از آغاز قیام سرخپوستان جنوب مکزیک، دولت این کشور طی توافقی، با برخی از خواست‌های آنها موافقت کرد. قرار است نمایندگان سرخپوستان پیش از نظر خواهی از مردم خود درباره نتیجه مذاکراتشان با دولت، پس از سه هفته دورجدیدی از گفتگوها با دولت مکزیک را آغاز کنند.

سه عضو جدید اتحادیه اروپا

نمایندگان اتریش، فنلاند و سوئد با مقامات اتحادیه اروپا توافق کردند که از آغاز سال آینده میلادی، به این اتحادیه بپیوندند. اجرای این توافق، منوط به رای مثبت مردم این کشورها به این الحاق است.

دشواری‌های تازه در مذاکرات صلح فلسطین - اسرائیل

آمریکا بازمی‌گردد که مانع تصویب قطعنامه‌ای شده است که ممکن است اراده جامعه بین‌المللی را در برابر خواست دولت اسرائیل قرار دهد. این دولت، مخالف حضور نیروهای مسلح سازمان ملل در مناطق اشغالی است اما می‌گوید با اعزام ناظران این سازمان موافق است. اگر آمریکا از تصویب قطعنامه‌ای در محکومیت کشتار الخلیل در شورای امنیت جلوگیری کند و فشار لازم را بر دولت رابین وارد نیاورد، نشان داده است که برای پیشبرد روند صلح در خاورمیانه اهمیت چندانی قائل نیست. در این صورت، آینده تاریکی در انتظار این منطقه است. شکست روند صلح، موضع عرفات را در ساف و همه مردم فلسطین به شدت تضعیف خواهد کرد و راه را برای قدرت گیری حماس و سایر گروه‌های بنیادگرا خواهد گشود.

اسرائیل به سرکوب مردم مناطق اشغالی ادامه داد و بر شمار قربانیان خود افزود، و به موازات ارتش، یهودیان افراطی نیز که تا دندان مسلحند، به تحریکات خود ادامه دادند. اکنون کشتار الخلیل، روند صلح را متوقف کرده است. بدون تغییر سیاست دولت رابین، ادامه گفتگوها بی‌معنی است و رهبری ساف، این مذاکرات را موقوف کرده است. تغییر سیاست اسرائیل نیز همواره منوط به اعمال فشار از سوی ایالات متحده بوده است. اکنون در شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکومیت کشتار الخلیل مورد بحث است. خواست فلسطینی‌ها این است که در این قطعنامه، اعزام نیروهای سازمان ملل به مناطق اشغالی مقرر گردد، زیرا فلسطینی‌ها به درستی می‌گویند ارتش اسرائیل مایل یا قادر به تأمین امنیت مردم مناطق اشغالی نیست. شورای امنیت، در محکوم کردن فاجعه الخلیل، تأخیر بسیار کرده است. این تأخیر، به مقاومت

شهرک‌های یهودی نشین مناطق اشغالی، اجازه حمل اسلحه داده است و هنوز هم با گذشت نزدیک به سه هفته از کشتار الخلیل، حاضر نیست لاقبل همه صهیونیست‌های افراطی را خلع سلاح کند. ثالثاً دولت رابین با وقت کشی در اجرای قرارداد خودمختاری غزه و اریحا و سرباز زدن از اجرای تعهدات خود در این قرارداد، مسئولیت اصلی را در بالا گرفتن جو خشونت و قهر در مناطق اشغالی طی هفته‌های اخیر بر عهده دارد. پس از کشتار الخلیل، این سوال بجاست که آیا اسرائیل، واقعاً نیت صلح دارد یا تنها تحت فشار واشنگتن مجبور به پذیرش خودمختاری فلسطینی‌ها و خروج از مناطق اشغالی شده است؟ در اینکه در اسرائیل، نیروهای صلح دوست و واقع بین بر روند آشتی با فلسطینی‌ها تأثیر می‌گذارند، تردیدی نیست. اما این واقعیت نیز انکارناپذیر است که دولت اسرائیل هنوز با دیدی کاسبکارانه به مذاکرات صلح می‌نگرد و از آنجا که می‌داند عرفات می‌پذیرد توافق اسلو، از سوی مخالفان خود تحت فشار قرار گرفته و ممکن است برای تسریع امر خودمختاری، امتیازات بیشتری هم بدهد، تا کنون بر سر راه اجرای توافق‌ها اشکال تراشی می‌کند و در حالی که قرار بود تا اواخر آذرماه، نیروهای اسرائیلی را از غزه و اریحا فراخواند، تا کنیک دفع الوقت را در پیش گرفته است. این سیاست غیرمسئولانه، عواقب وخیمی به بار آورده است و اگر ادامه یابد، روند صلح را نابود خواهد کرد. در حالی که نمایندگان ساف و اسرائیل، بر سر اینکه کدام پرچم در مرزهای مناطق خودمختار در اهتزاز باشد، به جانانه زدن مشغول بودند، ارتش

سحرگاه جمعه ششم اسفند، در حالی که صد ها تن از اهالی شهر الخلیل واقع در کرانه غربی رود اردن در مسجدی که به روایتی بر آرامگاه ابراهیم بنا شده است، مشغول نماز بودند، یک فرد ذخیره ارتش اسرائیل که او نیفورم این ارتش را نیز بر تن داشت، وارد مسجد شد و نمازگزاران را زیر رگبار مسلسل گرفت. تا قبل از اینکه مردم با کسول آتش نشانی، این جنایتکار را که با روخ گلدشتاین نام داشت، از پای در آورند، او ده ها نفر را به قتل رسانده و صد ها تن را مجروح کرد. تعداد فراوان مقتولین و مجروحان، در اینکه گلدشتاین در ارتکاب جنایت خود همدستی نداشته است، جای تردید می‌گذارد. قدر مسلم این است که تعدادی از مردم نیز در بیرون مسجد و در حالی که به این کشتار اعتراض می‌کردند، به ضرب گلوله سربازان ارتش که ظاهراً وظیفه محافظت از مسجد را بر عهده داشتند، به قتل رسیدند. پس از کشتار الخلیل، ارتش اسرائیل در مقابله با تظاهرات مردم مناطق اشغالی در اعتراض به فاجعه مسجد ابراهیم، ده ها فلسطینی را به قتل رساند. مسئولیت دولت و ارتش اسرائیل در فاجعه ششم اسفندماه، تردیدناپذیر است. اولاً از چند روز قبل از حمله باروخ گلدشتاین، پزشک ارتش اسرائیل، به مسجد، این مکان مذهبی مسلمانان مورد تهدید صهیونیست‌های افراطی مانند گلدشتاین قرار داشت و مقامات اسرائیلی که به بهانه حفظ امنیت ساکنان شهرک‌های یهودی نشین، از دستگیری فلسطینی‌ها و منفجر کردن خانه‌های آنها با بی‌نیازند، به خوبی می‌دانستند که باید از تجمع مسلمانان محافظت کنند. ثانیاً دولت اسرائیل به همه ساکنان



اعراب و یهودیان در تظاهرات مشترکی فاجعه الخلیل را محکوم کردند

موضع رئیس جمهور پارلمان روسیه به یکدیگر نزدیک شده است. سایجاک گفت غرب، نفوذ سیاستمدارانمانند ژیرینفسکی رهبر حزب راستگرای افراطی لیبرال دمکرات را بیش از آنچه واقعیت دارد، نشان می‌دهد، و افزود پارلمان در حقیقت تحت نفوذ کمونیست‌ها، حزب دهقانان و از سوی دیگر افرادی مانند یگور جیدر است. سایجاک در توضیح علت بزرگ‌نمایی ژیرینفسکی در رسانه‌های غربی گفت: "به گمان من، این واکنش غرب تصادفی نیست. غرب می‌خواهد از این طریق، تقصیر خود را توجیه کند، یعنی کوتاهی از کمک و همکاری واقعی. روسیه تا کنون نه از اتحادیه اروپا و نه از آمریکا، اعتباراتی را که وعده داده بودند دریافت نکرده است. فقط مهلت بازپرداخت بدهی‌ها را تمدید کرده و اعتبارات مشروطی برای خرید گندم از آمریکایی‌ها داده‌اند. یعنی واشنگتن به مزربان خود کمک می‌کند به روسیه. بعد هم باید این پول‌ها را با بهره سنگین پس بدهیم. علت اصلی توجه به ژیرینفسکی، نمایش‌های رسوایی او را نیست. این را علناً نمی‌گویند، اما در بین برخی سیاستمداران غرب، این موضع وجود دارد که روسیه هرچه ضعیف‌تر باشد برای غرب بهتر است زیرا دیگر منشأ خطری نخواهد بود.

گفت بدون یک دولت قوی، نمی‌توان راه برون رفتی از بحران سخت اقتصادی یافت. در عرصه سیاست خارجی، پلتسین اظهار داشت که در سال ۱۹۹۴ باید به امتیازات یکجانبه روسیه به سایر کشورها خاتمه داد. پلتسین بار دیگر بر مخالفتش با توسعه ناتو به سمت شرق تأکید ورزید.

ناظران در تحلیل اوضاع کنونی روسیه، بدین نکته اشاره دارند که پس از انتخابات آذرماه، موضع ویکنسور چرنومیردین، نخست‌وزیر، تقویت و از نفوذ پلتسین کاسته شده است. آناتولی سایجاک شهردار سنت پترزبورگ و از طرفداران پلتسین، اخیراً اظهار داشت که

روتسکوی و خاسبولوف از زندان آزاد شدند

عمل تأکید کرد. پلتسین گفت به اصلاحات اقتصادی ادامه خواهد داد و افزود: "بزرگترین خطایی که امروز می‌توان مرتکب شد، قرار دادن جامعه در برابر یک انتخاب مجازی است: یا اقتصاد دولتی - فرماندهی سابق یا بازار به اصطلاح خالص و مطلقاً مستقل. رئیس جمهور روسیه افزود اکنون باید نسبت معقولی بین آهنگ اصلاحات و عواقب اجتماعی آن یافت. پلتسین

پارلمان روسیه قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، کلیه کسانی که به اتهام دخالت در کودتای اوت ۱۹۹۱ و درگیری‌های اکتبر ۱۹۹۳ در مسکو زندانی شده‌اند، مورد عفو قرار گرفتند. چند روز پس از تصویب این قانون، الکساندر روتسکوی معاون پیشین رئیس جمهور و روسلان خاسبولوف رئیس سابق پارلمان، که رهبری مقاومت در برابر فرمان پلتسین در برابر انحلال پارلمان را بر عهده داشتند، از زندان آزاد شدند. آزادی روتسکوی و خاسبولوف، نشانه‌ای دیگر از تضعیف مواضع پلتسین بدنبال شکست جناح موسوم به اصلاح طلبان افراطی در انتخابات پارلمانی روسیه است. پس از تصویب قانون عفو در پارلمان، پلتسین، طی نطقی در پارلمان از مواضع سابق خود عقب نشست. وی خواهان همکاری با پارلمان برای تقویت روسیه گردید و مبارزه با بزهکاری را وظیفه اصلی دولت در سال ۱۹۹۴ دانست. پلتسین همچنین بردفاع از حقوق ۲۵ میلیون روس که در سایر جمهوری‌های سابق شوروی زندگی می‌کنند، "نه تنها در حرف، بلکه همچنین در



روتسکوی و خاسبولوف از زندان آزاد شدند